داخله بازهست ولی چون مدتی از شب گذشته میماند برای جلسه دیگر

معاون وزارت داخله - بودجه وزارت داخله درحدود اعتباری که مجلس تصویب کرده حاضر است وتقدیم میشود

(به آقای رئیس تسلیم نمودند)

رئیس - آقای فهیم الملك

(اجازه)

فهیم الملك - در این چند روزه دریکی ازروزنامه‌های محلی (نهضت شرق) شنیده شد که آقای آقا میرزا احمد خان آذری یك محلهائی نشان داده‌اند میتوانند ازآن محلها منافع گزافی بدولت برسانند بعد درروزنامه دیگر دیده شد ایشان را کمیسیون بودجه خواسته‌اندو با ایشان مذاکراتی کرده‌اند ودوازده کرورمحل تهیه کرده‌اند که بدولت برسانند آقای مخبر کمسیون بودجه که تشریف ندارند بنده‌از سایر آقایان اعضاء کمیسیون که‌اطلاع دارند سؤال می کنم که اگر ممکن است نتیجه مذاکرات خودشان را بفرمایند که اگر واقعاً این مسئله صحت داشته باشد خدمت بزرگی شده وقابل تقدیس است و اگر صحت ندارد بی جهت بموهومات اهمیتی داده نشود

رئیس - آقای حاج شیخ اسدالله

(اجازه نطق)

حاج شیخ اسدالله - چندی قبل راجع به موراتوریوم راپورتی بکمیسیون بودجه ازآقای آذری رسید ویك اطلاعاتی ازخودشان درآن راپورت ذکر کرده بودند ودرنتیجه یك صورتی داده بودند واظهار نموده بودند اگر بدقت رسیدگی شود تقریباً دوازده کرور عاید دولت میشود کمیسیون بودجه چنین تصویب کرده‌اند پنج نفر را انتخاب کنند وبدوسیه‌های وزارت خارجه و وزارت مالیه راجع باین راپورت مراجعه نموده وببینند اظهاراتی که شده صحیح است یاخیر پنج نفراز کمیسیون بودجه انتخاب شد که یکی ازآن پنج نفر بنده بودم دوسیه جلسه آن کمیسیون تشکیل شد دوسیه‌های وزارت خارجه ووزارت مالیه که دراین باب بابانك مکاتباتی شده بودخواسته شدوچنین صلاح دیدند که خود آقای آذری هم در یکی ازجلسات حاضر شود وراجع براپورتی که داده است مطابق آن دوسیه‌ها اطلاعات خودرا اظهار کند که کمیسیون بهتر بتواند نتیجه بگیرد درضمن اظهاراتی که آذری درآن راپرت کرده بود وتوضیحاتی که‌داده ازدوسیه‌های وزارت خارجه ووزارت مالیه وزمینه اظهارات آقای آذری چیزی فهمیده نشد فقط بعنوان موراتوریوم هشتصدهزار لیره درمدت متمادی دولت گرفته است و همیشه بین دولت وبانك یك اختلافاتی بوده است ویك مکاتباتی رد و بدل میشده ودر تحت این عنوان که تقاضای دولت بعنوان موراتوریوم بوده ودرضمن یك مکاتباتی هم بود که عنوان موراتوریوم را دولتین قبول کرده‌اند ولی مشروط کرده بودند که باید ازحدود سی هزارلیره درماه تجاوز نکند و ماهی سی هزار لیره یکمدت معینی نادیه شده است کمیسیون مطابق تعلیقاتی که شد دیدیم بانك درضمن این مدت نخواسته است عنوان موراتوریوم را اجرا کند واظهار میکند این وجهی که تا بحال بدولت میداده است بعنوان آوانس بوده باین معنی که در بعضی ماهها که عایدات گمرك هم معادل سی هزارلیره نبود اقساط قروض خود را ماه بماه برمیداشته‌اند ودرمقابل سی هزارلیره میداده‌اندولیکن دولت ایران عنوان آوانس را قبول نکرده وتمام تقاضائی که میشده تقاضای موراتوریوم میشده است و در مکاتبات خودشان هم تصدیق اینمطلب را کرده‌اند بعلاوه چیزیکه ازدرسیه‌ها فهمیده شد دوقضیه بود که بعدازرسیدگی لابد باید بمجلس پیشنهاد شود یکی این است که در موقعی که بانك لیره‌را تسعیر میکرده و بدولت ایران درهمان تاریخ میداده و لیره را که از بابت قروض خود بر میداشته است تفاوت قیمتی منظور شده یعنی در یك تاریخ لیره‌را که میداده ومیگرفته است در قیمت آنها تفاوت می گذاشته اگر چه هنوز یك صورت رسمی بدولت ایران داده نشده وفقط ازوزارت مالیه یك صورت غیررسمی آورده‌اند واظهار میداشتند که این صورت صورت رسمی نیست واز آن صورت غیررسمی اینطور فهمیده شدواختلاف قیمت لیره درآنجامشاهده میشد یك اختلاف دیگری هم هست .

رئیس - اگر مفصل است بقیه این جواب بماند برای جلسه دیگر

بعضی اظهار نمودند باید راپرت رسمی بدهند

حاج شیخ اسدالله — بلی مفصل است ولی بنده حاضرم هروقت بفرمائید عرض کنم .

رئیس - خوب بود اول میفرمودید جلسه آتیه روزسه‌شنبه دستور آن اولا شور دوم قانون شورای عالی معارف ثانیاً راپورت کمیسیون فوائدعامه راجع بالحاق رود کارون بزاینده‌رود

مجلس چهار ساعت از شب گذشته ختم شد .

رئیس مجلس شورای ملی - مؤتمن الملك

صورت مشروح مذاکرات

جلسه ۷۳ مورخه یوم سه شنبه سلخ جمادی الثانی (۱۳۴۰) مطابق (۹) برج حوت (۱۳۰۰)

مجلس دوساعت ونیم قبل از غروب درتحت ریاست آقای مؤتمن الملك تشکیل گردید صورت مجلس یوم شنبه (۶) حوت را آقای تدین قرائت فرمودند

رئیس — مجلس باصورت جلسه موافق است یانه

آقای ارباب کیخسرو

(اجازه)

ارباب کیخسرو — درجلسه قبل که بنده راجع به جواهرات وذخائر سلطنتی سؤال کردم مقصود جواهر وذخائر دربار سلطنتی بود نه جواهرات و ذخائری که متعلق بشخص سلطنت است در صورتیکه درصورت مجلس مطلقاً کلمه سلطنتی نوشته شده است غرض بنده جواهرات دربار بود نه جواهرات شخص سلطنت

رئیس - اصلاح میشود دیگر اعتراضی نیست ؟

(ایرادی نشد)

رئیس - صورت مجلس با آن یکفقره اصلاح تصویب شد یك لایحه راجع بقرار داد پستی بین ایران وافغانستان رسیده بکمیسیون پست وتلگراف مراجعه خواهد شد وفعلا راپرت کمیسیون معارف راجع بشورای عالی معارف مطرح است این شور شور دوم است فصل اول قرائت میشود

ماده اول ازفصل اول را آقای سهام السلطان قرائت نمودند

ماده اول - برای توسعهٔ دوائر علوم واشاعه معارف وفنون ورفع نقائص تحصیلات علمی وفنی شورای عالی معارف تشکیل می گردد وشعب آن درمرکز ایالات وولایات موافق قانون مخصوص دایر خواهد گردید .

رئیس — در این ماده مخالفی نیست ؟

شیخ الاسلام - اگر شور در کلیات است بنده در کلیات این قانون عرائضی داشتم .

رئیس - شور در کلیات قبل ازشور اول است وبعد ازشور دوم معلوم میشود درماده اول مخالفی نیست رای میگیریم

آقا شیخ ابراهیم زنجانی - دراینجا یك لفظ مرکز اضافه شود بهتر است چون نوشته شده است شعب آن در مراکز ایالات وولایات خوب است اینطور نوشته شود شورای عالی معارف درمرکز تشکیل میگردد

مخبر - بنده چون تصور می کنم بعد ازذکر این عبارت که شعب آن درمراکز ایالات وولایات دایر خواهد شد مطلب معلوم میشود وگمان میکنم محتاج بذکر لفظ مرکز نباشد بعلاوه شورای عالی معارف معمولا درمراکز دایر میشود

رئیس - رای می گیریم بماده اول آقایانیکه ماده اول را تصویب میکنند قیام فرمایند .

(عده کثیری قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد ماده دوم قرائت میشود .

(بشرح زیر قرائت شد)

هیئت شورای عالی معارف ازده نفر عضو رسمی بشرح زیر تشکیل میشود

یکی ازمجتهدین جامع الشرایط دونفر ازرؤسای مدارس عالیه ومتوسطه دونفراز معلمین درجه اول مدارس عالیه و متوسطه وپنج نفر ازدانشمندان مملکت

رئیس - آقای محمد هاشم میرزا

(اجازه)

محمد هاشم میرزا - بنده پیشنهادی کرده بودم که دراین ماده تصریح شود یکنفر ازادباء جزءاین پنج نفر یااضافه براین پنج نفر در شورای عالی معارف باشد ولی جوابیکه آنروز آقای مخبر دادند (که دانشمندان درعین حال البته ازادباء خواهند بود) بنده‌را قانع نکرد چه خود بنده هم آنرا می‌دانستم ولی بواسطهٔ اینکه یکی از وظایف مهمهٔ مدارس مخصوصاً نظامنامه‌هائی که برای مدارس نوشته میشود یك قسمت عمدهٔ آن متوجه بادبیات فارسی و عربی است .

بعقیده بنده مخصوصاً یکنفر ادیب در شورای عالی معارف باید باشد حالا یا در جزوآن پنج نفر دانشمندان یا بر آن پنج نفر اضافه شود وعلت اینکه کمیسیون این پیشنهاد بنده را قبول نکرده و قابل توجه ندانست نفهمیدم چه بوده است

مخبر — ازبیانات ناطق محترم مستفاد معلوم میشود که مقصود از این پنج نفر دانشمند اشخاصی خواهند بود که عالم به ادبیات زبان فارسی نباشند و حال این که اینطور نیست .

البته رعایت این نکته خواهد شد لیکن تخصیص باسم لازم نیست برای اینکه زیاد صنفی میشود بعلاوه شرط سوم از ماده چهارم بخوبی مسئله‌را ثابت و محرز می کند .

عین عبارت این است کلیه اعضای شورای عالی معارف باید دارای شرایط ذیل باشند اول فلان دوم فلان سوم دارای معلومات و اطلاعات لازمه بوده باشند . بدیهی است مقصود از معلوماتی که در اینجا ذکر و قید شده یکی از آنها دانستن زبان فارسی و ادبیات فارسی و عربی است و البته تمام اعضاء منتخبه باید دارای معلومات فارسی و عربی باشند .

رئیس — آقای فتح الدوله

(اجازه)

فتح الدوله — در اینماده این طور نوشته شده که هیئت شورای عالی معارف از ده نفر عضو رسمی بشرح ذیل تشکیل می‌شود .

درصورتی که در مادهٔ ٦ می نویسد دونفر دیگرهم که وزیر و مدیر کل باشند درشورای‌عالی معارف عضویت دارند پس وزیر و مدیر کل حق رأی و مذاکره هم خواهندداشت آنوقت‌جزءاعضاءرسمی‌می‌شوند بنده تصور میکنم که اگر این جا نوشته‌شود هیئت‌شورای‌عالی معارف‌عبارت از دوازده‌نفر است آنوقت ماده٦راحذف کنند بهتر خواهد بود .

مخبر — لازم است عرض کنم که ماده دو و شش باهم فرق‌دارند این‌ده‌نفر عضو رسمی ومجانی هستند وآنجامینویسد وزیرمعارف رئیس شورای عالی معارف خواهد بود و مدیر کل بالطبع عضویت خواهدداشت .

بنا براین آن ماده غیر از این ماده است ونمیشود این‌دورا یکی کرد وصرف نظر ازماده ٦ نمود .

رئیس — آقای سلطان‌العلماء

(اجازه)

سلطان العلماء — بنده ازآقای مخبرسؤالی دارم اینکه مرقوم فرموده‌اند یکنفر از آقایان مجتهدین جامع‌الشرایط در شورای عالی معارف خواهد بودیا به‌نحو عضویت درشورای خواهد بودیا به نحونظارت اگربنحونظارت‌است بنده‌عرضی ندارم ولی اگر بنحو عضویت‌است بعقیده بنده خیلی بی‌نتیجه و بی‌فایده خواهد بود

مخبر — اگر خاطر آقا باشد در ضمن شور اول بعضی ازآقایان‌نمایندگان محترم پیشنهاد کرده بودند که لفظ‌روحانی علاوه‌شودیعنی کلمه برجمله پنج‌نفرازعلماء ودانشمندان لفظ و کلمهٔ روحانی اضافه‌شود کمیسیون معارف اساساً این قسمت را تصدیق کرد .

ولی بملاحظهٔ اینکه کلمه‌ای است که ممکن است مصادیق زیاد از خارج پیدا کند و هنگام انتخاب مشکلاتی‌برای‌وزیر تولیدشود باین‌جهت کلمهٔ فرد اکمل واتم روحانی را که مجتهد جامع‌الشرایط باشد اختیار کردند و بعد از این توضیح جواب آقا را عرض میکنم که‌این یك نفرمجتهد جامع‌الشرایط آن ۹ نفر دیگر سمت عضویت خواهندداشت نه‌سمت نظارت

رئیس - آقای محمد هاشم میرزا

(اجازه)

محمد هاشم میرزا - متأسفانه جوابی که‌آقای‌مخبر درمورد پیشنهادبنده بیان فرمودند باز هم بنده را قانع نکرد بجهت اینکه اولا میفرمایند ممکن نیست دانشمندان زبان فارسی را ندانند و حال اینکه اینطور نیست زیرا دانشمند اهم از ادیب است چه‌ممکن است دانشمندی‌خیلی عالم و فاضل باشد اما آشنا بادبیات فارسی وعربی نباشد و نمیشود گفت چون ادبیات نمیداند دانشمند نیست و اما آن شرط سومی که‌فرمودند نوشته‌شده است و بایددارای معلومات واطلاعات لازمه‌باشند این هم کافی‌نیست بجهت اینکه اگریکی ازمعلومات لازمه دانستن ادبیات فارسی و عربی‌است آنوقت‌دیگرقیددانشمندان‌دراین ماده لازم نیست بایدهمین قیدنوشته شود که‌شورای عالی‌معارف دارای کی وکی پنج نفر خواهد بود وبالاخره اگر گفتیم فقره سوم‌کافی‌است ومعلومات لازمه شامل عربیست و سایر مراتب علمیه است پس لفظ دانشمندان‌را چرا گذاشته اند واگر لفظ دانشمندانرا برای فهم این معنی گذارده‌اند تخصیص بذکر یکنفر ادبای درجه اول هم برای حفظ زبان فارسی و عربی‌درشورای عالی‌لازم است

رئیس — آقای نظام‌الدوله

(اجازه)

نظام‌الدوله - بنده میخواستم عرض کنم اگراینجا نوشته شود پنج نفر از ادبا و دانشمندان هم مقصود شاهزاده محمدهاشم میرزا انجام میگیرد و هم اصل ماده دست خورده نمیشود

مخبر - اینجاکه نوشته شده است پنج نفر از دانشمندان مملکت مقصود دانشمندان ایران است نه دانشمندان چین یا ژاپون مقصود این است که دانشمند باشد و زبان وادبیات فارسی را بدانند و نمیشود کسی‌دانشمند باشد آنوقت زبان و ادبیات فارسی را نداند بعلاوه غرض این است که‌عنوان صنفی کمتر دراعضاء شوری دخالت داشته باشد گفته شد یکنفر از مجتهدین از نقطه نظردیانت باید در این شوری باشد ودونفرهم ازرؤسای مدارس ازنقطه نظرفنی باید عضویت داشته باشند ودو نفرهم ازمعلمین وهمینطور پنج نفراز دانشمندان مملکت دیگر قید ادیب نیست و لازم نیست و البته دانشمندان مملکت اشخاصی‌خواهند بود که‌معلوماتشان درخور این مقام باشد و این هم که دراین لفظ دانشمندان قیدشده‌برای‌تأکیداست وبجهة اینکه کسی‌مدعی‌نشود که‌دانشمند است در صورتیکه واقعاً دانشمند نباشد و این پیشنهاد حضرت والا را متأسفانه کمیسیون قبول نمیکند

رئیس -- آقای محمدهاشم میرزا

(اجازه)

محمد هاشم میرزا — ازاینکه کمیسیون پیشنهاد بنده را قبول نکند چندان تأسفی ندارم بنده دلایل خود را عرض میکنم حالا میخواهد کمیسیون‌قبول بکندیا نکند وبازتکراراً عرض میکنم ممکن است دانشمندی باشد مثلا عربی‌را خوب نداند ولی‌سایر علوم را بداند ودر صورتیکه‌عربی‌نداند نمیشود گفت دانشمند نیست اما اینکه فرمودند بنده خیال کردم درژاپون است خیر؟ بنده درایرانرا فرض کردم ولی گفتم عبارت بخوبی‌شامل ادباء نمیشود حالا که کمیسیون قبول نکرد خود داند ولی‌بنده استدعا دارم که‌تخصیص‌بذکر ادباء و دانشمندان بدهند و بنده عرایض خود را با اثبات دلائل عرض کردم

رئیس — آقای سلطان‌العلماء

(اجازه)

سلطان‌العلماء — بنده ازفرمایش آقای تدین بهیچوجه قانع نشدم زیرا بنده این نظریه را داشتم که‌اگریك نفراز علماء و روحانیون سمت عضویت شورای عالی معارف را داشته باشد عضویت آن روحانی اسباب رونق معارف خواهد بود اگر چه بحمدالله تمام اعضای آن متدین و دانشمند و تمام جهات معنوی و ظاهرشان کامل است ولی در ایران هنوز خوشبختانه‌یا بدبختانه‌نظریات اهالی بعلماء روحانی هست‌و عرض کردم که اگر تمام‌اعضاء آن از روحانیون‌معین نمیشوند اقلا نصف از اعضاء آن بایداز روحانیون باشند یعنی سه نفردانشمندوسه نفر از روحانیون چه این مسئله بیشتر اسباب رغبت و میل اهالی‌بمعارف خواهد بود ضمنا یك جمله معترضه لازم است عرض کنم‌چنین نیست که علماء اعلام‌اسلام از این علوم امروزه اطلاعی نداشته‌باشند البته خاطر آقایان بخوبی مستحضر است که مرحوم شیخ بهاء الدین کتابی‌نوشته واسم او را خلاصة المتقدمین گذارده‌و در تمام علوم وفنون بطوریکه‌درخورمقامشان بوده چیزها نوشته است و چنین نیست که آنها مخالف و معارض با دانش‌باشند البته با حوائج مملکت هم آنها بیشتر از دیگران آشناهستندو بهتراحتیاجات‌مملکت‌را میدانند نهایت‌آنروزاحتیاجات وضروریات مملکت و محیط نحو دیگر بوده و امروز طور دیگر هست چنانچه بزرگان دین مخصوصاً حضرت امیرالمومنین علیه‌السلام می‌فرمایند اولاد و اطفال خودتانرا به مقتضای وقت وزمان تربیت کنید بواسطه اینکه آنها برای زمانی غیر از زمان‌شما خلق‌و آفریده شده‌اند و البته‌هرزمان و عصری یك اقتضای مخصوصی داردآنروز که پدران و نیاکان ما زندگانی‌میکردند طور دیگر بوده و امروز زمانی دیگر است البته علماء بهتر ازبنده دراین‌مسائل نظریات دارند و جهات معارف‌راهم بهتر ملاحظه میکنند و قدردانشمندانرا هم‌بهتر میدانند و امیدواریم بواسطه وجود آنها معارف ما در آتیه ترقیات کاملی‌بکندو بالاخره‌عرض میکنم که اگرورودوهر کت آنها بنحو نظارت باشد ممکن است‌آنها داخل شوندو الا اگربطور عضویت‌باشد بنده گمان نمیکنم که ازبزرگان داخل شوند و از حیث عده هم چون در حکومت شوروی اقل محکوم اکثریت است لذاعرض میکنم که انتخاب عده هم خوب است بطریق تساوی‌باشد

مخبر — یك قسمت از بیانات آقا که راجع بعلو مقام روحانیت بود کمان نمی کنم قابل انکار باشد دیگر اینکه آقا یك سئوالی‌از بنده کردندو بنده‌هم یك جوابی در مقابل دادم حالا میفرمایند آن جواب مراقانع نکرد بنده‌تصورمیکنم درست بجواب بنده التفات‌و توجه‌نفرمودند سئوال ایشان این بود که این یکنفر از علمای روحانیون آیا سمت‌عضویت‌شورای عالی معارف‌راخواهدداشت یاسمت نظارت بنده عرض کردم بسمت عضویت پذیرفته خواهدشد عضویت البته مقامش عالی‌تراز نظارت است واز نقطه نظر اهمیت بمقام روحانیت بوده که یکنفر از فرد اکمل روحانیون که مجتهد جامع الشرایط باشد در این شوری باید عضویت داشته‌باشد و البته بانظریات ایشان شورای‌عالی معارف کاملا موفق باصلاحات مهم خواهدشد

رئیس — آقاحاج میرزاعلی‌محمد دولت آبادی

(اجازه)

دولت آبادی — عرضی ندارم .

رئیس — رأی‌میگیریم ماده دوم آقایانی که ماده دوم‌را تصویب‌میکنند قیام فرمایند .

(عده کثیری‌قیام‌نمودند)

رئیس — تصویب‌شدماده‌سوم‌قرائت می‌شود .

(بمضمون ذیل قرائت‌شد)

شورای‌عالی معارف علاوه براعضای رسمی تا ده‌نفر عضوافتخاری‌می‌تواندداشته باشد .

تبصره - اعضای افتخاری فقط حق شرکت درمذاکرات خواهندداشت .

رئیس — در اینماده مخالفی هست یاخیر ؟

آقای‌حاج میرزاعلی‌محمددولت‌آبادی

(اجازه)

دولت‌آبادی — بنده عرض میکنم اعضاء افتخاری شورای عالی معارف‌تعیین عدد معین لازم نیست برای اینکه مقصود از اعضاء افتخاری یکی‌استفاده کردن از آنها است و باید هر کس بخواهد بتواند در خدمت معارف مفتخرشود ویکی دیگر برای اینست اشخاصی که خدمت بمعارف مملکت کرده‌اند وزیر بتواند بآنهاامتیاز عضویت‌را بدهد باینجهة محدود بده‌نفر را بنده معتقدنیستم .

مخبر — در ضمن شور اول مذاکره‌شد و جواب هم عرض کردم

بازهم مجبورم همان جواب را تکرار کنم که مدت انتخاب اعضای رسمی وافتخاری محدود بچهارسال خواهدبود .

بنا بر این اگر ازحیث عده محدود شده است از حیث مدت بعد از انقضاء دوره چهار سال اشخاص دیگری میتوانند انتخاب شوند و این شامل حال همه خواهد بود .

رئیس — آقای‌مستشارالسلطنه

(اجازه)

مستشار السلطنه - بنده میخواستم بدانم این ده‌نفرعضو افتخاری راکی‌معین میکند وزیر معین میکند یا بشور خود انجمن شورای عالی‌معارف معین میشود ؟ بنده عقیده‌ام اینست اگر وزیر با شور و موافقت شورایعالی معارف انتخاب ومعین کند بهتراست

مخبر -- بنده ماده پنجم‌را برای‌آقا میخوانم تامطلب واضح‌شود .

(بشرح‌ذیل‌قرائت‌شد)

ماده ٥ — وزیر معارف اعضاءرسمی و افتخاری شورایعالی معارف را برای مدت چهارسال انتخاب نموده و به موجب فرمان همایونی رسمیت میدهد و بعد از انقضای دوسال از دوره اول‌نصف اعضاء بحکم قرعه خارج و عوض آنها انتخاب میشود و از آن ببعد بجای هر نصف از اعضاء که مدت چهارسال عضویت آنهاتمام شده جدیداً انتخاب بعمل‌خواهدآمد

مستشارالسلطنه — عرض کردم اگر شخص وزیر خودش در انتخاب این ده‌نفر ذیحق نباشد بهتر است مقصود این است با شور سایر اعضای انجمن شورای عالی‌معارف انتخاب‌شوند نه بمیل و اراده وزیر و الا ماده پنجم را دومرتبه‌ملاحظه کرده‌بودم .

رئیس — رأی میگیریم ماده سوم آقایانی که مادم‌سوم‌را تصویب‌میکنند قیام فرمایند .

(اکثر قیام نمودند)

رئیس — تصویب شد ماده چهارم قرائت‌میشود .

(ماده چهارم بمضمون ذیل قرائت شد) .

کلیه اعضاء شورایعالی‌معارف باید دارای شرایط ذیل باشند .

١ -- خدمات نمایان بمعارف مملکت نموده‌باشند .

ثانیاً لااقل سی‌سال داشته‌باشد

٣ — دارای معلومات‌واطلاعات‌لازمه بوده باشد .

٤ — موصوف بصحت عمل بفعالیت بوده ومعکوم بفسادعقیده یاجنحه یاجنایت نباشند .

رئیس — آقای‌حاج میرزا مرتضی

(اجازه)

حاج میرزا مرتضی — چون وظایف شورای‌عالی معارف یك وظایف عمده ایست که خیلی قابل توجه است لذا بنده در موقع شور اول پیشنهاد کردم یك شرطی بر این ماده چهارم اضافه کنند وآن این است که اعضاءرسمی این شور تماماً مسلمان‌باشند نمی دانم بچه واسطه اعضاء محترم کمیسیون این‌پیشنهاد بنده‌را قابل توجه ندانسته در صورتیکه خیلی مهم‌ولازم‌است که این‌شرط در اعضاء رسمی شورای عالی معارف وجود داشته باشد .

مخبر — عرض‌می کنم‌اولا کمیسیون معارف باصل اسلام کمال اهمیت را میدهد بلکه‌تمام‌نمایندگان‌واکثریت‌ملت‌ایران‌این اهمیت رامی‌دهند ولی‌علت اینکه کمیسیون این شرطرا نپذیرفت این بود که در یك مملکت اسلامی که اکثریت نفوسش مرکب ازمسلمان است وعده‌قلیل ومعدودی غیر مسلمان درآن متوطن هستند در این صورت این‌هرط بخصوص برای اعضائی که وارد این رشته می شوند منطق و فلسفه ندارد بلکه زاید است‌اگر چنانچه یك شورای عالی معارف در چین وژاپون و و بالاخره در یك مملکت غیر اسلامی یك عده مسلمین می‌خواستند برای‌خود ایجاد وتشکیل کنند می‌توانستند این‌شرط‌مسلمان بودن را در ضمن شروط ومواد قراردهند بلکه دراین صورت حقاًهم لازم‌بود اما در مملکت اسلامی دیگر این شرط لازم نیست بعلاوه‌بواسطه عضویت یك‌نفرمجتهد جامع الشرایط این نظریه جنابعالی کاملا تأمین می‌شود و اگر بخواهیم این شرط رابکنیم که اعضاء این‌شوری مسلمان باشند آنوقت باید بگوئیم و مقید کنیم که آن مجتهد جامع‌الشرایطی هم که سمت عضویت را خواهد داشت مسلمان باشدبهر حال در مملکت اسلامی البته اشخاصی‌هم که داخل این شوری ومؤسسه می‌شوند همه مسلمان خواهند بود لذا شرط اسلام بی مورد و زاید است

رئیس - آقای حاج‌میرزاعبدالوهاب

(اجازه)

حاج میرزا عبدالوهاب - در این فقره‌چهارم که نوشته شده است‌محکوم بفساد عقیده نباشد این کلمه‌کافی نیست چه ممکن است‌هر آدم فاسدالعقیده‌را که وارد می کنند بگویند در کدام محکمه رسمی فساد عقیده‌اش ثابت ومحرز شده است بنده عرض میکنم که‌قیدشود معروف بفسادعقیده نباشد .

مخبر — حضور مبارك‌عرض‌میکنم تاکسی‌درمحکمه‌صالحه محکوم بفسادعقیده یاجنحه‌وجنایتی نشده‌باهدنمی‌توان‌ترتیب‌اثر باوداد وصرف‌معروفیت بفسادعقیده‌بخصوص دراین مملکتی که نسبت باشخاص و افراد بازار تهمت وافترا رواج دارد وممکن‌است برای یك ملاحظات شخصی و خصوصی اتهاماتی باشخاص ببندند کافی نیست بلی اگر محکوم بفساد عقیده یاجنحه وجنایتی شده باشد البته مجازات وجرائمی دارد که ازآن جمله حرمان ازعضویت این انجمن است‌لیکن بصرف متهم بودن بفساد عقیده نباید اورا محروم کرد چه ممکن است یك عده مسلمانی‌را بفساد عقیده متهم کنند و درنتیجه آن بدبخت بیچاره ازیك حقوق مدنی محروم بماند باین جهت تاکسی در یکی ازمحاکم صالحه محکوم بجنحه و جنایت و فساد عقیده نشده باشد نمی‌شود نسبت سوئی به آن شخص داده و او را محروم کرد

رئیس — چون فقره چهارم شامل فقرات مختلفی است‌بهتر این است که از یکدیگر تفکیك‌شوندودرهریك جداگانه رأی‌بگیریم درفقره اول کسی حرفی‌ندارد رأی میگیریم

رئیس — آقای‌محمد هاشم میرزا

(اجازه)

محمد هاشم میرزا — مقصود ازعرض بنده این‌است که آقای‌مخبر توضیح بدهند که بعد موجب اشکال نشود اگر چه معارف ایران خیلی اهمیت دارد ومقصود ازاین شوری‌هم ترویج علم‌است و علمای اعلام هم دراین موضوع بیشتر کوشش کرده‌اند ولی گمان ندارم بشودیك مجتهد جامع الشرایطی پیدا کرد که قبلا خدمات نمایانی بمعارف نموده باشد اگر مقصود ازخدمات نمایان همان توسعه ونشرعلم‌است عرضی ندارم واگر مقصود چیز دیگری است یعنی خدمات قابل توجهی کرده‌باشد گمان‌ندارم‌نقدآمایك مجتهدجامع‌الشرایطی راپیدا کنیم که‌چنین خدمتی کرده‌باشدخوب است آقای‌مخبراین‌مسئله‌را توضیح‌بفرمایند تا رفع‌بشود

مخبر - مقصود از خدمت نمایان بمعارف مملکت اعم از این است که نشر علم یاتألیفی کرده باشد یا اینکه تدریس کرده باشد ومقصوداز معارف‌اعم‌ازدینی و مذهبی است

محمدهاشم‌میرزا - مقصودبنده همین‌بود دیگرعرضی ندارم

رئیس - راجع بفقره اول باز کسی حرفی‌دارد یانه ؟

ایرادی نشد

رئیس -فقره دوم‌مطرح‌است درفقره دوم حرفی‌هست ؟

اظهاری نشد

رئیس - فقره سوم‌چطور ؟ ایرادی نیست ؟

اعتراضی نشد

رئیس - قسمت‌چهارم قرائت‌میشود خطاب بحاج‌میرزا مرتضی سؤال‌شما راجع بفقره‌چهارم که نیست؟

حاج میرزا مرتضی — راجع بجواب است

رئیس - آقای مدرس‌چطور؟

مدرس — راجع به فقره چهارم است .

رئیس - بفرمائید

مدرس - فرمایشی که آقای مخبر نسبت بمحکوم بودن اشخاص فرمودندالبته حق‌بجانب‌ایشان است بدیهی است‌تاکسی محکوم نشود بمجرد معروفیت بفساد عقیده نمی شود مجازاتی درباره اشخاص‌قائل‌شد لیکن درعین حال چندان ضرورولازم هم نیست که اورادراخل درشورای عالی‌معارف کنند کسی که محکوم نیست‌لیکن معروف است هیچ اثری نباید باوداد البته خیلی محترم هم‌هست بااو دوست هستیم آمیزش ومعاشرت هم می کنیم‌لیکن چندان لزومی هم ندارد داخل شورای‌عالی معارف‌بشود لذااگر آقایان تصویب می نمایند بنده پیشنهاد می کنم‌عوض کلمه محکوم معروف نوشته‌شود

رئیس - آقای‌حاج‌میرزاعبدالوهاب

(اجازه)

حاج‌میرزا عبدالوهاب - بنده هم‌همین را میخواستم عرض کنم کسی که محکوم بفساد نباشد اما معروف‌باشدلازم نیست اورا داخل دراین شوری کنند والا حالا که نمی گوئیم اورا دار بزنند البته کسی که همین قدر معروف بفساد عقیده باشد اورا داخل‌نکنندا‌ولی‌است

مخبر - درموضوع معروفیت بفساد عقیده انسان‌وقتی که اند کی فکر کند می بیند دریکی ازدوصورت انسان می تواند معروف بفساد عقیده‌باشد یاحقیقة ممکن است فاسدالعقیده باشد که در این صورت این مسئله رفته رفته بر دیگران معلوم و محقق‌میشودیااینکه خیرازنقطه‌نظرافترا و تهمت‌مشهور ومعروف‌شده‌است بعقیده بنده تشخیص این دو صورت خیلی مشکل‌است بخصوص در جریان سیاست و دخالت در امور مملکتی‌بخیلی از اشخاص ممکن‌است تهمت بی دینی و لامذهبی و فساد عقیده زده شود بمرور ایام این تهمت اشتهار و معروفیت پیدا کند در صورتیکه تشخیص این دو مسئله که آیا واقعاً فاسدالعقیده است یا خیر فاسدالعقیده نیست و ازنقطه نظر تهمت و بصرف افتراء معروف گشته خیلی مشکل است ما چه دلیلی داریم که یکنفر را از حقوق مدنی خویش محروم کنیم یطوریکه قبلا عرض کردم بصرف اینکه کسی مشهور بفساد عقیده باهدنمی

شود اورا از حقوق مدنی و مدنی و وطنی محروم کرد چون بنده تشخیص این مطلب را تا درجه مشکل میدانم بنا براین تصور میکنم این کلمه (معروف) برضرر یك عده از مردمان بیگناه خواهد شد .

رئیس — ایراد آقای کازرانی هم راجع بهمین قسمت است ؟

کازرانی — بلی

رئیس — بفرمائید

کازرانی — بنده عرض میکنم چون شورای عالی معارف باید شالوده برای ملیت ما بریزد و برای موفقیت باین امر و مقصود باید نهایت احتیاط را بعمل آورد ولی اینطوریکه آقای مخبر اظهار میدارند تقریباً مثل این است که ما دخول هر فاسدالعقیده را درانجمن شورای عالی معارف جایز کرده باشیم اما اینکه می فرمایند محکوم شود نباید مقام عضویت را اشغال کند بنده بالا تر عرض میکنم اگر محکوم بفساد عقیده باشد مهدر الدم است و باید اعدام شود باید گفت پس ازاین که اعدام شد داخل در شورای عالی نشود این مطلب مسلم است که از هر کس سئوال شود که تو فاسدالعقیده هستی مطلقاً منکر خواهد شد و به ثبوت آنهم در محکمه امر خیلی مشکلی است بطوریکه غالباً مشاهده شده اشخاصی که فاسد العقیده بوده اند معروف بفساد عقیده شده اند ولی برسبیل قدرت و برحسب اتفاق اگر دیده شده باشد یکنفر واقعاً دارای فساد عقیده نباشد وبصرف اتهام و تهمت معروف و موصوف شده باشد شواهد این قضیه خیلی کم و نادر است در اینصورت عقیده بنده این است بطوریکه آقایان فرمودند بجای کلمه (محکوم) (معروف) نوشته شود علاوه براین در راپورتی که سابقاً وزارت معارف داده بود کلمه معروف نوشته شده بود نمیدانم چه مصلحتی دیده اند که معروف را تغییر داده و محکوم نوشته اند .

مخبر — لازمه عقیده و اظهارات بنده این نبود که هر فاسدالعقیده را به شورای عالی معارف راه دهند و تغییراتی که در این ماده پیدا شده از این جهت است که یکنفر از آقایان نمایندگان پیشنهاد کرده بودند چون بعضی کلمات مبهم دراین شرایط است بنا براین خوب است تجدید نظری در این کلمات شده و تغییر و تبدیلی در آنها داده شود باین جهت بعد از آنکه در کمیسیون مطرح بحث شد همین مسئله مذاکره شد که معروف بفساد و عقیده یك شمشیری برای اشخاص خواهد شد و نمیشود کسی را بصرف شایعات اتهام محکوم کرد بخصوص دراین مملکت بااصول آزادی وسیاست این مسئله کاملا حکمفرما است چه ممکن است کسی ازراه غرض ودشمنی اتهام وافترائی بکسی بزند ودر ظرف بیست وچهار ساعت قضیه بطوری منعکس و منتشر شود که برای خود متهم هم نقل شود ودرواقعیت آن تردید حاصل کند درصورتیکه بعداً معلوم میشود که قضیه کذب محض وصرف اتهام و منشاء آن خصومت ونقطه نظر شخصی بوده است پس نمیشود اورا بصرف این معروفیت و نسبتی که باوداده شده که فاسدالعقیده است اورا از حقوق مدنی محروم کرد البته اگر کسی محکوم شد باید مجازات شود ولی مادام که محکوم نشده است نمیشود به نشریات و اشاعات ترتیب اثر داد

رئیس — آقای حاج میرزا علیمحمد دولت آبادی

(اجازه)

دولت آبادی- عرضی ندارم

رئیس- آقای آقامیرزا هاشم آشتیانی

(اجازه)

آقامیرزا هاشم - اگر چه خود بنده یکی از اعضاء کمیسیون معارف هستم ولی درموقعی که این ماده را در کمیسیون تغییر داده اند بنده بواسطه عارضه کسالت غایب بودم ودراینجا کلمه معروف را تغییر داده و مبدل بمحکوم کرده اند یکقسمت از اعتراضات بنده را بعضی از آقایان نمایندگان محترم مذاکره فرمودند الا اینکه این مطلب را باید عرض کنم آقای تدین با این فرمایشاتی که فرمودند که خیلی ها باخیلی ها در این مملکت عداوت ودشمنی دارند مع ذلك خودشان تصدیق خواهند فرمود تا بحال کمتر شنیده شده دراین محیط کسی را از روی عداوت بفساد عقیده نیست نموده باشند و او هم باین نسبت معروف و مشهور شده باشد واگر خودشان هم قدری دقت وتامل فرمایند تصدیق خواهند فرمود که نظائر این مسئله خیلی کم است لذا بنده عقیده ام این است که اگر آقایان صلاح بدانند و تصدیق کنند این عبارت اینطور نوشته شود معروف بفساد عقیده ومحکوم بجنحه و جنایت نباشد زیرا اگر کسی محکوم بفساد عقیده شد مهدورالدم و مستحق داراست چه رسد باینکه عضویت شورایعالی معارف را اشغال کند بنابراین بنده تصور میکنم اگر عبارت باین نحو اصلاح شود که عرض کردم بهتر وواضح تر خواهد بود

رئیس- آقای سلیمان میرزا

(اجاره)

سلیمان میرزا- اگر آقایان قدری دقت و مطالعه فرمایند تصدیق خواهند فرمود که حق با کمیسیون است که بجای کلمه (معروف)(محکوم) نوشته است زیرا آقایان که جزء علما خودشان دراین مجلس تشریف دارند آیا میشود بمجرد شهرت کسی را بگویند فاسدالعقیده است؟ آیا ممکن است دراین مملکتی که براست از اتهام ودرهر دقیقه یکنفر را متهم می کنند همین که شهرت دادند فلان شخص فاسد العقیده است آنرا مدرك قرارداد ؟ آیا یکنفر از علماء می توانند بمحض ایراد شهرت بآن شخص بگویند که تو فاسدالعقیده هستی یا اینکه باید موافق موازین شرع انور او را محاکمه نمود وزمانی که مطابق موازین شرعیه محکوم شد آنوقت می توان گفت آنشخص فاسدالعقیده است وباید بمجازات هم برسد البته بسیار ازشهرتها است که در دنیا اساسی ندارد ولی وقتی که شخص محکوم شد در محکمه بفساد عقیده البته باید مجازات هم بشود وخود محرومیت از این حق که نباید داخل درعضویت شورایعالی معارف شود برای او یك مجازاتی است بنده از این مسئله تعجب می کنم که میفرمایند دراین مملکت کسی بمجرد تهمت معروف بفساد عقیده نشده است اززمان ناصرالدین شاه تاکنون آنقدر ها نگذشته است البته خاطر همه آقایان هست که باشخاص بزرك آزادی خواه مثل آقاسید جمال اسدآبادی چه نسبتها میدادند تاریخ را ملاحظه فرمائید خیلی نگذشته است درباره آقا شیخ هادی نجم آبادی چه حرفها میزدند و چه نسبتها باو میدادند دراین شهر اگر ده نفر مصمم شوند که کسی را بهر نسبتی که میخواهند مشهور کنند بفاصله یك هفته دو هفته آنشخص معروف میشود واین اولین دفعه ایست که شما می خواهید در مقابل این اتهامها و اراجیف سدی ببندید وبگوئید مادر مملکت بحرفهای مفت وباوه سرائی ها ترتیب اثر نمی دهیم وتا هر نسبتی دریك محکمه رسمی بثبوت نرسد هرچه یاوه سرایان بگویند بی فایده واثری برآن مترتب نیست حالا اگر دراین لایحه بجای محکوم (معروف) نوشته شود بهانه خوبی بدست یاوه سرایان داده میشود وهمین که فهمیدند بتهمت ترتیب اثری داده میشود فوری شروع می کنند بتهمت زدن ونسبتهای بیمورد دادن وبیست نفر متعهد میشوند که یکنفر بدبخت فلکزده را بتهمتی معروف کنند واورا از تمام حقوق مدنی ودخول درادارات محروم می نمایند بهرجهت بعقیده شخص بنده این مسئله خوب نیست وبهتر این است که باز گردیم بطریقی که درهمه جا معمول است وتا کسی محکوم بمطلبی نشد بصحبتهای یاوه سرایان گوش ندهیم واورا از حقوق مدنی محکوم نکنیم بنا بر این بنده با اصل راپورت کمیسیون موافق هستم وتوصیه می کنم محکوم بودن بهتر است برای اینکه دراین مملکت باب تهمت مفتوح است

رئیس- آقای کازرانی

(اجازه)

آقامیرزا علی کازرانی- بنده تصور می کنم اشتباهات لفظی موجود است آقای مخبر مکرر فرمودند که اشخاص را نمیتوان باین دلایل ازحقوق مدنی محروم کرد بنده هم تصدیق می کنم ولی ما کسی را نخواستیم ازحقوق مدنی محروم کنیم مثلا برای انتخابات یك شرایطی است که یکی از آنها این است که میگوید انتخاب شونده باید سی سال داشته باشد پس در اینصورت اشخاص بیست و نه ساله را از حقوق مدنی محروم کرده اند یا مثلا بنده میخواهم منشی بگیرم بگویم باید سرعت قلم داشته و کسی که سرعت قلم نداشت من اورا قبول نکردم یا ادارات او را قبول نکردند پس در اینصورت خواهید گفت او از حقوق مدنی محروم مانده؟ خیر ؟ ابداً هیچ اعتراضی باو نشده واز حقوق مدنی هم محروم نمانده است اما اینکه میفرمایند بعضی علماء درزمان ناصرالدینشاه متهم به بعضی چیزها شدند وبعضی اشخاصی که ادعای آزادیخواهی میکردند متهم شدند بنده عرض میکنم که متهم شدند ولی مشهور نشده بودند وبنده معتقدم که مشهور شدن مسئله خیلی مهمی است وخیلی بندرت اتفاق می افتد که کسی دارای فساد عقیده نباشد و مشهور شود واز هزار نفر که مشهور بفساد عقیده میشوند حتماً (۹۹۹) نفر از آنها فاسد العقیده هستند واتفاقاً شاید یك نفر در آن میان متهم شده باشد وچنانکه ما امروز می بینیم بیشتر ادارات مارا اشخاص فاسد العقیده اشغال نموده ما باید برای آتیه یك شالوده های متینی تهیه بکنیم تا مردم ازطریق فساد احتراز کنند واز آنطرف هم بدون دلیل بمن نگوئید مسلمان نیستی مسلك ما که الان درالسنه و افواه است آیا مطابق با شرع است؟ آیا مردم فساد عقیده ندارند؟ البته از تمام اینها بایستی جلوگیری کرد بنده عقیده ام این است که نه تنها اینجا بلکه در شرایط استخدام وشرایط انتخاب هم باید این مسئله نوشته شود که در انتخاب اشخاص فاسدالعقیده کارهارا اشغال نکنند

رئیس- آقای حاج شیخ اسدالله

(اجازه)

حاج شیخ اسدالله — بنده با این نظر موافقم

رئیس- آقای مدرس

مدرس — یکی ازرفقا چند روز قبل میگفت در قرن بیستم خوب است بعضی صحبتها نشود بنده گفتم در قرن بیستم هم اگر گرگ در گله بیفتد گوسفند هارا میبرد آقای آقا میرزا علی کازرانی پارهٔ مطالب فرمودند که مسئله را کم کم بزرك کرد شما ملاحظه فرمائید که تجری بعضی چقدر اسباب زحمت عموم شده است بلی بنده هم تصدیق میکنم که ناروبلوه کسی

حکم صادر نشود ودر یك محکمه هم کسی محکوم بفساد عقیده نباشد موافق موازین شرع نمیتوان اورا فاسدالعقیده تصور کرد ولی از این موضوع هم نباید غفلت کرد که ما باید ملاحظه صلاح سی کرور نفوس را بکنیم از یکطرف میفرمایند یك نفر را از حق مدنیت نمیشود محروم کرد ازطرف دیگر هم باید حقوق سی کرور نفوس را حفظ کرد ما باید صحت عقیده را در همه جا محرز بداریم وملاحظه کنیم و گمان میکنم بیش از این هم مذاکرات در این باب لازم نباشد و قبل از این هم در اغلب قوانین همین عدم معروفیت بفساد عقیده قید شده باشد محکومیت درمملکت ما مصداق ندارد وخوب است آن کسی که محکوم شده است تاکنون بفرمایند کی است من درعمر خودم کسی را سراغ ندارم که محکوم باشد و بعقیده بنده بهتر این است همانطور که آقای آشتیانی فرمودند در اینجا نوشته شود کسانی که معروف بفساد عقیده ومحکوم به جنحه وجنایت نباشند

رئیس- آقای آقا سید یعقوب

(اجازه)

آقاسید یعقوب — بنده خواستم توضیح بدهم که اگر آقای مدرس وسایر آقایان درست دقت بفرمایند ملاحظه خواهند فرمود که اینجا در لایحه مینویسد اعضاء باید صحیح العمل باشند واین بدیهی است کسی که فاسدالعقیده شد صحیح العمل نمی شود زیرا صحت عمل ناشی ازصحت عقیده است وممکن نیست کسی که صحیح العمل باشد فاسدالعقیده بشود چون عمل ناشی در عقیده است واین مسئله علمی است و یك مسئله نیست که بنده بخواهم ازخودم بگویم و این مطلب حتمی است که تا کسی صحیح العقیده نباشد صحیح العمل نمیشود

رئیس- آقایان مذاکرات رادرفقره چهارم کافی نمیدانند؟

(جمعی گفتند کافی است)

رئیس — چند فقره پیشنهاد شده قرائت میشود بعد رأی میگیریم آقای دکتر لقمان .

(اجازه)

دکتر لقمان - بنده نسبت پیشنهاد آقای حاج میرزا مرتضی عرض دارم هروقت موقع است عرض کنم

رئیس — حالا موقع است بفرمائید

دکتر لقمان — آقای حاج میرزا مرتضی پیشنهاد فرموده اند که یکی از شرایط عضویت شورای معارف مسلمان بودن نوشته شود که اعضاء آن تمام مسلمان باشند و اگر این شرط پذیرفته شود و مجلس تصویب کند این یك سدی خواهد شد برای پیشرفت معارف وصنایع ملل متنوعه بجهة اینکه دیگر ذوق وشوق نخواهند داشت که عقب تحصیل بروند عقیده بنده این است که این شرط قید نشود تاتمام افراد بتوانند تحصیلات خودرا تکمیل کرده ولیاقت پیدا کنند که داخل شورای معارف شده وبمملکت خدمت نمایند

رئیس- آقای حاج میرزا مرتضی

(اجازه)

حاج میرزا مرتضی — اولا در جواب آقای مخبر محترم که فرمودند اهالی مملکت همه مسلمان هستند و دیگر قید مسلمان بودن لازم نیست عرض می کنم بلی بحمدالله همه اهل مملکت مسلمان هستند ولی اگر ما درلایحه قید کنیم که اعضاء شورایعالی معارف مسلمان باشند این چه ضرری باسلام وارد می آورد و وقتی که ما این شرط را نوشتیم دیگر یك نفر ارمنی یا یك نفر فرنگی داخل درعضویت شورای عالی معارف نمیشود واینکه فرمودند اگر این شرط قید شود بمجتهدین برمیخورد بنده عرض میکنم اگر اینطور باشد پس آنجا هم می نویسد اعضاء شوری باید صحیح العمل وفاسدالعقیده نباشند قید این مسئله هم باید بمجتهدین بر بخورد خیر اینطور نیست اثبات شئی نفی ماعداء نمی کند واگر ما قید کنیم که اعضاء شوری باید مسلمان باشند این دلیل نمیشود که اعضاء آن مسلمان نبوده اند اما درجواب فرمایش آقای دکتر لقمان عرض می کنم که این شرط برای اعضاء رسمی آن مسلمان باشند ولی اعضاء غیررسمی وافتخاری آن ممکن است از سایر ملل متنوعه باشند و این هم اسباب دماغ سوزی آنها نمیشود که تحصیلات خودرا کامل نکنند البته ممکن است که اینها تحصیلات خودرا تعقیب کنند وعضو افتخاری شورایعالی معارف بشوند نه عضو رسمی چون مملکت ما مملکت اسلامی است ومعاوف ما همه اسلامی است باید اعضاء رسمی این شوری هم مسلمان باشند والبته این شرط هم خیلی خوب و لازم است و هیچ ضرری هم بهیچ جا وارد نمی آورد ونه تنها در اینجا این شرط باید نوشته شود بلکه درهمه جا باید قید شود

رئیس- آقای دولت آبادی

(اجازه)

دولت آبادی- بنده عرضی ندارم

رئیس- آقای مدرس

مدرس — خواستم آقای دکتر لقمان را مستحضر کنم که زحماتی که در مملکت کشیده میشود برای عموم افراد مملکت است و ازجهة ملل متنوعه که در مملکت ایران هستند تمام خصوصیات و منافعی که برای مسلمین ملاحظه میشود برای آنها هم حتماً باید ملاحظه شود بساهست در شورایعالی معارف شعبات حزبی تشکیل میشود که آن شعبات برای نظم و ترتیبات ملل متنوعه است که اساس معارفی آنهارا منظم ومرتب کند هرگز ازاین ملل متنوعه نرود که اینها دراین حقوق فرقی با سایر مسلمین خواهند داشت البته همین قسم که مسلمین را تشویق وتکمیل کنیم

رئیس- آقای ارباب کیخسرو

(اجازه)

ارباب کیخسرو — بنده که اجازه خواسته ام خیلی متأسفم که بعنوان مخالفت اجازه خواستم درصورتیکه نمیدانم با چه مخالف هستم فی الواقع میخواهم مدافع بشوم ولی نمیدانم از چه دفاع کنم اگر بخواهم بعنوان نماینده زردشتیان ازحقوق ملت زردشت وسایر ملل متنوعه دفاع کنم گمان می کنم خیالی بغلط کرده ام برای اینکه زردشتیان با سایر ملل متنوعه که نماینده بمجلس میفرستند برای شرکت در تمام وضعیات و خدمات بمملکت است مخصوصاً اصل دوم قانون اساسی که لازم است عین آنرا قرائت کنم میگوید (مجلس شورای ملی نماینده قاطبه اهالی مملکت ایران است که در امور سیاسی و معاشی وطن خودشرکت دارند) پس قانون اساسی بین هیچکس فرقی نگذاشته و و تمام را در امور مملکت شرکت داده است و بنده این عرایضی را که اینجا میکنم نه از این نقطه نظر است که میخواهم دفاع خاصی از ملل متنوعه کرده باشم زیرا این موضوع را هیچ محل حاجت نمیدانم برای اینکه گراراً دیده شده و هیچ فراموش نمیکنم وقتی متمم قانون اساسی نوشته میشد آنهمه فداکاری ها و قربانی ها که مسلمانان دادند برای این بود که حقوق تمام اهل مملکت را حفظ کرده باشند و بنده یقین دارم اگر هم نمایندگان ملل متنوعه اینجا نبودند همین نمایندگان اسلام با کمال خوبی حقوق آنهارا حفظ میکردند و البته نباید اغماض کرد و خیلی هم تشکر میکنم که همین نمایندگان مسلمان هستند که سیزده سال است اسرار و ناموس مملکت را بدست بنده که یکنفر نماینده زردشتیان هستم سپرده اند و این بهترین شاهد و دلیل است .

پس با اینها بنده نمیدانم چه چیز باعث شده است که در عین امیدواری در اینجا یك مذاکراتی میشود که درصورتی که آن امیدواریهای ملل متنوعه باید تکمیل شود خدای نخواسته اینمذاکرات اسباب یأس آنهارا فراهم نماید .

بنده عرض میکنم که قرنها میگذرد و هیچ شمشیر برنده ای نتوانسته است علاقه و محبت زردشتیان را نسبت بایران قطع کند و هیچ چیز هم قطع نخواهد کرد ما یك حقوقی داریم و وظیفهٔ ایرانیت خودمان را در هر مورد باید انجام دهیم و کاملا هم امیدوار هستیم که حقوق ما همیشه محفوظ مانده و محفوظ خواهد ماند بنده نمی خواهم دعوت کنم بلکه میخواهم استدعا کنم در موقعی که یك فضاهائی غیرازاین محوطه گوششان بصداست که ببینند قوانین مملکت بچه منوال میگذرد قسمی بشود که در خارج یك سوء تفاهماتی تولید نشود باید قسمی کرد که آن ایرانیانی که ازاینجا مسافرت کرده اند و رفته اند (که اگر اینجا بودند ممکن بود مملکت از علم آنها از تمول آنها هزاران استفاده کرد) برامید واریشان افزوده شود .

البته ما باید با ندای محبت آنهارا دعوت کنیم که بیایند اینجا دست اتحاد به یکدیگر داده و باهم کار کنیم و استقلال مملکت را حفظ کنیم .

بازهم عرض میکنم که اگر از هیچ یك ملل متنوعه هم در اینجا نماینده نبود حقوق آنها کاملا محفوظ می ماند همین آقای حاج میرزا مرتضی که پیشنهاد کرده اند اهل کرمان و نماینده آنجا هستند و بنده هم اهل کرمان هستم و بخوبی خانواده ایشان رامیشناسم و میدانم خانواده ایشان خانوادهٔ بوده اند که همیشه نظر محبت باملل متنوعه داشته وخودایشان هم دارند و باآن محبتی که از خانواده ایشان و خودایشان دیده ام تصور نمی کردم از طرف ایشان دراینجا مذاکره بشود که در خارج اسباب سوء تفاهم شود .

زردشتیان یا کلیمیان یا امثال آن ها امروز کسی را ندارند که داخل درشورای عالی معارف بکنند و اگر هم داشته باشند وکسی از ملل متنوعه در شورای عالی معارف داخل شود گمان میکنم از نظر محبت است که با یکدیگر کار بکنیم و ببینیم با چه وسیله می توانیم ترقی مملکت را فراهم سازیم .

ما ایرانی بوده وهستیم و هیچ دلیلی برای اثبات ایرانیت ما لازم نیست همین مسلمانانی که تااین اندازه محبت ومرحمت را نسبت بملل متنوعه داشته و بآنها حق داده اند که در مجلس شورای ملی نماینده داشته باشند ودرسیاست مملکت شرکت کنند گمان می کنم اگر خدای نخواسته آنها رای خصمانه داشته باشند اثراتش خیلی زیادتر از عضویت در شورای عالی معارف است بنابراین بااین ترتیب بنده نمیدانم چه چیز باعث میشود که آنها را از یك چیزهای فرعی محروم کنند درصورتیکه قانون اساسی فقط و فقط در یکجاهم از نقطه نظر خاص ملل متنوعه را استثناء کرده است وآنهم دراصل پنجاه وهشتم متمم قانون اساسی است که مینویسد وزیر باید مسلمان باشد وکسانیکه درآنموقع درطهران بوده اند واز وضعیات آنوقت مسبوق هستند مسبب این

استثناء را میدانند چون در آنموقع مسیو لوز وزارت گمرکات‌را داشت‌ویك‌نظریات خاصی دربین آمد که کلیه ملل‌متنوعه ازاین حق محروم شدند وامیدوارم بمرور ایام این ماده هم‌اصلاح شود ولی باوجوداینکه قانون‌اساسی‌فقط همین یك‌مورد را استثناء کرده است وبچیز دیگر مقید نشده‌نمیدانم چه‌چیز باعث‌میشود که ما هرروزوهرساعت بخواهیم اشتثنائی قائل شویم پس بنده بنام بشریت و ایرانیت عرض میکنم اگر چه خودم را قابل نمیدانم که دعوت کنیم ولی استدعامیکنم الفاظ و عباراتی که ممکن است از آنها سوء تفاهم حاصل شود در مجلس عنوان بشود وبگذارید تمام ایرانیان‌با قلب صاف وساده یکدیگر را نگاه دارندوبا اتحادکامل اسباب‌ترقی مملکت را فراهم آورند و برای استقلال مملکت بکوشند و حواسشان مختل نشود که آن اختلال حواس خدای نخواسته موجب ضرر و خسارت مملکت گردد

رئیس- در اینماده مذاکرات کافی است یا خیر ؟

گفتند کافی است

رئیس-دوفقره‌پیشنهاد رسیده‌قرائت میشود بعد رأی می گیریم

(آقای سهام السلطان بشرح ذیل قرائت نمودند)

ما امضاء کنندگان پیشنهاد می‌نمائیم که قسمت چهارم ازشرایط اعتمادشورای عالی معارف اینطور نوشته شود (٤) موصوف‌بصحت عمل و فعالیت بوده‌معروف بفساد عقیده و محکوم بجنحه و جنایت نباشد .

رئیس-پیشنهاد دیگر قرائت‌میشود

(بترتیب ذیل‌قرائت‌شد)

قسمت چهارم از شرایط عضویت شورای عالی معارف این قسم پیشنهاد اصلاح می‌نمائیم- موصوف بصحت عمل و حسن اخلاق وعقیده بوده محکوم بجنحه و جنایت نباشد .

رئیس-(خطاب بآقای آقاسیدفاضل راجع باین اصلاح توضیحی دارید؟

آقاسیدفاضل- خیر

رئیس-آقای آشتیانی

(اجازه)

آقامیرزاهاشم آشتیانی-عرضی ندارم .

رئیس- پیشنهاد اولی مجدداً قرائت میشود ورأی میگیریم بقابل‌توجه‌بودنش

(مجدداً بمضمون فوق‌قرائت‌شد)

رئیس- رأی میگیریم

حاج میرزا عبدالوهاب-خوب است دومی هم یکمرتبه دیگرقرائت شود

(آقای‌سهام‌السلطان‌بشرح فوق قرائت نمودند)

ثلدین- مخبر کمیسیون بااصلاح‌دوم موافق است و قبول می کند

مدرس- پس خوب است‌دومی را مجدداً بخوانند

رئیس - چون می‌فرمائید اولی و دومی‌اولی‌همین است که‌مجدداًقرائت‌میشود ورأی می‌گیریم

پیشنهاد اولی مجدداً بمضمون فوق قرائت شد

حاج‌نصیر السلطنه - پیشنهاد دوم هم یکمرتبه‌دیگر قرائت میشود

رئیس — آنرا چون کمیسیون قبول کرده لازم به‌قرائت نیست

مدرس - چون پیشنهاد ثانی را کمیسیون قبول نموده وکافی است‌دیگر درپیشنهاد اول‌رأی گرفتن‌نمی‌خواهد

رئیس- بسیارخوب پیشنهاددیگری ازطرف حاج میرزا مرتضی رسیده‌قرائت میشود .

(بشرح ذیل‌قرائت‌شد)

بنده پیشنهاد می کنم که بر شرایط ماده ٤ این‌شرط‌علاوه شود اعضای‌رسمی شورای عالی معارف باید مسلمان باشند

رئیس -(خطاب بآقای حاج‌میرزا مرتضی) توضیحی‌دارید‌بفرمائید

حاج میرزا مرتضی - خیر توضیح همان‌بود که‌عرض کردم

رئیس- رأی می گیریم بقابل‌توجه بودن این‌پیشنهاد آقایانی که‌این‌پیشنهادرا قابل توجه‌میدانند قیام‌فرمایند

(عده قلیلی قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه‌نشد رای می گیریم ماده چهارم بفاصلاحی که آقای مستشار السلطنه درپیشنهاد دومی کرده‌اند وکمیسیون‌هم قبول کرده است‌آقایانی که تصویب می کنند قیام‌فرمایند

(جمع کثیری قیام نمودند)

رئیس — تصویب شد ماده پنج قرائت می‌شود

(بترتیب ذیل قرائت شد)

ماده ٥ — وزیر معارف اعضای رسمی وانتخاری شورای عالی معارف را برای مدت چهار سال انتخاب نموده و بموجب فرمان همایونی رسمیت می‌دهد و بعد ازانقضای دوسال ازدوره اول نصف اعضاء بر حکم قرعه خارج وعوض آن‌ها انتخاب می‌شودوازاین‌ببعد بجای‌آن‌نصف ازاعضاء که مدت چهارسال عضویت آن‌ها تمام شده جدیداً انتخاب آن ها بعمل خواهد آمد .

مخبر —اینجا لازم است بنده‌یك توضیحی بدهم که آقایان عبارت راپورت نسخه خودشانرا اصلاح بفرمایند چون‌در طبع سهوشده است آنجا که می‌نویسد(و ازآن ببعد بجای‌آن نصف ازاعضاء) لفظ (آن)مبدل‌به (هر) باید بشود که‌اینطور می‌شود (و ازآن ببعد بجای هرنصف‌از اعضاء وآنجاکه‌می‌نویسد (جدیداًانتخاب آنها بعمل‌خواهد آمد) لفظ (آنها)زاید است .

رئیس - آقای مستشار السلطنه

(اجازه)

مستشار السلطنه — بعد از این توضیح آقای مخبر دیگر عرضی ندارم .

رئیس - نسبت بماده پنجم دیگر اعتراضی‌نیست ؟ آقای‌حاج‌میرزاعلی‌محمد دولت آبادی

(اجازه)

حاج میرزا علی‌محمد دولت آبادی - می‌خواستم عوض تفهیم این اشخاص که بحکم قرعه خارج شده‌اند باز ممکن‌است انتخاب‌شوند یاخیر

مخبر - بلی درماده‌دهم‌این‌موضوع تصریح شده است

رئیس — آقای‌زنجانی اظهاری ندارید ؟

شیخ‌ابراهیم زنجانی - عرضی ندارم .

رئیس - رأی می گیریم بماده پنج آقایانیکه تصویب می کنندقیام‌فرمایند

اغلب نمایندگان قیام‌نمودند

رئیس - تصویب شد ماده شش خوانده می‌شود

بمضمون ذیل خوانده شد

ماده (٦) وزیر معارف‌رئیس رسمی شورای عالی معارف ومدیر کل وزارت معارف بالطبع عضویت‌خواهدداشت

رئیس - آقای رکن‌الملك

(اجازه)

رکن الملك — راجع باین ماده پیشنهادی تقدیم کرده بودم و مقصودم این بود که‌به‌مدیر کل‌حق داده شود که درغیبت وزیر جلسه شورای عالی معارف را تشکیل داده اداره کند چون غالباً وزیر بواسطهٔ اشغال در امور وزارت غایب میشود واسباب تأخیرجلسات میگردد باین واسطه‌بنده پیشنهاد کردم که‌این ماده اینطور نوشته شود که‌درغیبت وزیرمدیر مدیر کل درجلسات رسمی ریاست شورای عالی‌معارف را عهده دارخواهد بود

مخبر - تاکنون شورای عالی که تشکیل‌میشده است این ترتیب بوده است که‌اعضاء یکنفرنایب رئیس دربین‌خودشان انتخاب میکردند مادام که وزیرحاضر بود ریاست شورای عالی معارف با خود وزیر ودرغیبت وزیرنایب رئیس‌ریاست راعهده‌دار بوده است و در اینجا هم همینطور است نایب رئیس‌را اعضاء ازبین خودشان انتخاب می کنند

رئیس — آقای حاج میرزا علی محمد دولت‌آبادی

(اجازه)

حاج میرزا علی‌محمددولت آبادی — بنده با این اظهاریکه آقای مخبر کردند موافقم ولی‌عقیده‌ام این است که در این تصریح شود که نایب رئیس از میان اعضاء انتخاب شود و خود اعضاء آنرا انتخاب نمایند

مخبر — تصور میکنم مقصود آقا درنظامنامه داخلی‌بعمل آید

رئیس — رأی میگیریم بماده شش آقایانیکه‌این ماده را تصویب میکنند قیام نمایند

اغلب قیام نمودند

رئیس — تصویب شد ماده هفت قرائت میشود

(آقای سهام‌السلطان بشرح ذیل قرائت نمودند)

ماده ٧ — عضویت شورای عالی معارف بدون حقوق خواهد بود

رئیس - دراین ماده معترضی‌نیست

آقای حاج شیخ اسدالله

(اجازه)

حاج شیخ اسدالله - بنده نمی‌خواهم عرض کنم فعلا اعضای شورایعالی معارف دارای حقوق باشند ولی‌این مسئله هم که در قانون تصریح بشود که اعضای شورای معارف باید مجانی کنند زائد میدانم زیرا ممکن است یکوقت اجزاء آن بعنوان مجانی برای خدمت حاضر نشوند و مقتضیات وقت و مالیه مملکت هم اجازه بدهد که‌بجای این اعضای‌افتخاری و مجانی یك عده اشخاصی را با حقوق نصب نمایند آنوقت برخلاف قانون که نمی توانند رفتار کنند در اینصورت بنده عقیده دارم که‌این ماده حذف‌شود ولزومی هم ندارد که‌این مسئله‌قید شود

مخبر - بنده تصور میکنم که این ماده لازم است وباید آنها مقطوع‌الامید باشند و اگر این ماده حذف شود و این موضوع مسکوت عنه بماند برعکس عقیده آقای حاج شیخ اسدالله در صورت عدم تصریح بیشتر تولید اشکال بکند زیرا آنوقت میگویند درقانون که‌تصریح ندارد پس‌ما هم حقوق میخواهیم اما درصورتی که وزیروقت لازم دانست که‌اعضای‌شورای حقوق بگیرند هیچ مانعی‌نخواهدداشت در ضمن یك لایحه بمجلس پیشنهاد خواهد کرد اگرمجلس هم صلاح دانست‌تصویب نمیکند ومخصوصاً لازم است که‌این مسئله قید شود

رئیس — دیگر ایرادی نیست ؟ آقای حاج شیخ اسدالله

(اجازه)

حاج شیخ اسدالله — تصور میکنم اینکه آقای مخبرفرمودند اگراین ماده نباشدشورای معارف‌بیك محظوراتی بر میخورد اینطور نباشد زیرا درموقع انتخاب اعضا باینها اظهار میشود که‌خدمت شما مجانی‌خواهدبودنمیخواهندقبول‌نمیکنند و امااینکه میفرمایند در صورتیکه وزیر معارف موقع‌را مقتضی‌دید پیشنهادمینماید که باعضای شورای‌عالی‌معارف حقوق‌داده شود همین مسئله بنده را وادار نمود که عرض کنم بایداین‌مسئله‌مسکوت‌عنه بماند تاهروقت وزیر مقتضی دید که بآنهاحقوق داده شود بتواند پیشنهاد کند بعلاوه در صورتیکه در ابتدا بآنها گفته میشود بلا حقوق هستند و در فرمان هم قید میشود که این خدمت بلا حقوق است چطور می‌توانندبوزیر فشاربیاورند تا وزیرمجبور باشد حقوقی برای آنها تعیین نماید این است که این ماده را زائد میدانم و تقاضا میکنم حذف شود .

مخبر — اینماده دال براین‌است که عضویت شورایعالی عالی معارف بیحقوق می‌باشد و اینکه میفرمایند شاید بعد از یکسال دیگر لایحه تقدیم مجلس نماید و حقوقی برای اعضای شورای معارف پیشنهادنماید آنوقت مجلس مجبورخواهد شد قانون خودرا نقض کند تصورمیکنم این ترتیب درباره کلیه قوانین عادی‌هم معمول است و مجلس درهرموقع می‌تواند قوانین خودرا الغاء ونقض ویا تبدیل‌نماید واین مسئله اشکالی نخواهد داشت

رئیس-آقای آقاشیخ‌ابراهیم‌زنجانی

(اجازه)

زنجانی — درشور اول اول کسی که پیشنهاد عضویت شورای عالی معارف برای بعضی با حقوق باشد بنده بودم و پیشنهاد کرده بودم دوقسمت‌شود یکقسمت از اعضاء حقوق داشته‌باشندوقسمت دیگر مجاناً خدمت نمایند ولی در هر صورت اجمال صحیح نیست بلکه بایدتصریح‌شود باحقوق میکند و یا بدون‌حقوق

رئیس — رأی میگیریم آقایانیکه ماده هفتم را تصویب میکنند قیام فرمایند

(اکثرنمایندگان قیام‌نمودند)

رئیس — تصویب شد ماده هشتم خوانده میشود .

(بمضمون ذیل خوانده‌شد)

ماده٨-شورای عالی‌معارف‌دارالانشاء دائمی خواهد داشت که وظیفه آن تحریر مذاکرات و نوشتجات وضبط دفاترواسناد و تهیه راپورتهای لازمه درحدود عملیات مختصه شوری خواهدبود

رئیس — دراین ماده هم مخالفی نیست ؟

(اظهاری نشد)

رئیس — رأی می گیریم آقایانیکه ماده هشتم را تصویب میکنند قیام فرمایند .

(اغلب نمایندگان قیام‌نمودند)

رئیس — تصویب‌شد ماده‌نهم

(بمضمون ذیل قرائت‌شد)

ماده ٩ — اعضاء دارالانشاء عبارت از یك رئیس ودو منشی ویك ثبات‌خواهد بود که وزیر معارف آنها را ازغیر از اعضای شورای‌عالی معارف موظفاً تعیین می‌نماید .

رئیس — باین ماده‌هم اعتراضی نیست ؟

(گفتند خیر)

رئیس- آقایانیکه‌این‌ماده‌را تصویب میکنند قیام فرمایند

(اغلب قیام نمودند)

رئیس — تصویب شد ماده دهم قرائت میشود .

(بشرح آتی قرائت شد)

اساس شورای عالی معارف تعطیل بردار نیست و باید لااقل درظرف‌یکماه قبل از انقضای هردوره اعضا دوره بعد انتخاب شوند و اعضای سابق نیز قابل انتخاب می‌باشند .

رئیس — ایرادی هست یانه؟

(ایرادی نشد)

رئیس — آقایانیکه ماده دهم را تصویب می کنند قیام فرمایند

(اکثر قیام نمودند)

رئیس — تصویب‌شد ماده یازدهم

(بترتیب ذیل‌قرائت‌شد)

ماده ١١ - هرگاه یکی از اعضاء استعفا یا فوت نماید شورایعالی معارف چند نفر راکه واجد شرایط مذکوره در ماده ٢٤ باشند از میان اعضای افتخاری‌و یا خارج انتخاب مینماید که‌وزیر یکنفررا از بین آنها برای تصفیه مدت آن دوره انتخاب نماید و اعضای افتخاری مقدم خواهند بود .

رئیس-آقای حاج‌شیخ‌اسدالله

(اجازه)

حاج‌شیخ‌اسدالله — دراین ماده قید میکند وزیر معارف از مابین اعضای افتخاری یا غیر آنها یکنفر را برحسب پیشنهاد شورای‌عالی معارف برای‌عضویت انتخاب‌خواهند کرد‌بنده نمی‌فهمم‌درصورتی که‌اعضای‌افتخاری واجد همان‌شرایط‌هستند دیگر چرا باید ازخارج اعضای رسمی‌را انتخاب نمودعقیده‌بنده‌این‌است که‌این‌حق‌را باید باعضای افتخاری شورای عالی‌معارف داد که یکدرجه ترفیع رتبه یا ترقی‌برای آنها حاصل شده باشد و آنوقت ممکن است بجای عضوافتخاری‌یکنفررا ازخارج انتخاب نمود

مخبر — در قسمت‌اول‌فرمایشاتشان راجع بانتخاب اعضای افتخاری‌بایددانست که‌ممکن‌است‌ازاشخاصی که خارج‌ازعضویت شورای عالی معارف هستندیك اختیاراتی که معلومات و فضیلتی‌فوق فضیلت اعضای افتخاری شورای‌عالی باشد دراین صورت لازم است که ما‌این حق‌را بشورای‌عالی معارف داده باشیم که‌آنهارا برای‌عضویت شورای معارف پیشنهادنمایدولی‌درصورت تساوی شرایطالبته عضو افتخاری مقدم خواهدبود و این مسئله را رعایت‌خواهند نمود.

رئیس — دیگر مخالفی نیست . رأی میگیریم آقایانی که‌ماده یازدهم را تصویب میکنند قیام فرمایند .

(اغلب نمایندگان‌قیام‌نمودند)

رئیس- ماده دوازدهم جزء بجزء قرائت میشود

(بمضمون ذیل قرائت شد)

ماده١٢-وظایف شورای‌عالی‌معارف از قرار تفصیل ذیل است

١- اهتمام در ترویج خطو زبان و ادبیات فارسی و عربی و نشر مقالات‌علمی عام‌المنفعه

رئیس- در جزء اول مخالفی‌هست؟

(اظهار نشد)

رئیس- قسمت دوم قرائت‌میشود

(بمضمون ذیل قرائت شد)

٢- سعی در تهیه موجبات تکثیر مدارس و تدارك مقدمات تعلیم اجباری و مجانی

رئیس- در قسمت دوم هم مخالفی نیست قسمت سوم خوانده میشود

(بشرح ذیل‌قرائت شد)

٣ - مشورت در رفع نقائص تعلیمات عمومی وسعی‌در تهیه‌وسائل تاسیس‌مدارس صنعتی و فلاحتی وشبانه روزی و تعمیم ورزشهای بدنی‌ومراقبت‌دردستور تحصیلات مدارس خارجه

رئیس - آقای فهیم ملك

(اجازه)

فهیم الملك - قسمت آخر این جزءمطلب‌رادرست نمیرساند زیرامینویسد مراقبت در دستور تحصیلات مدارس‌خارجه این عبارت اعم از مدارسی است که در داخله ایران‌ویادرخارج ایران تاسیس‌شود در صورتیکه مقصود فقط مدارسی است که خارجه‌ها که در داخله‌ایران تاسیس‌مینمایند درصورتیکه آقای مخبر عبارت‌را تغییری بدهند که مقصود را واضحتر برسانند گمان می کنم بهتر خواهد بود

مخبر - تصور می کنم لفظ مدارس داخله یا خارجه بقدری درایران کثیرالا - ستعمال باشد که ابداً محتاج‌بذکر این قرائن نباشد وعلاوه براین قراین خارجی هم در این ماده کاملا دلالت میکند . بر اینکه‌شورای‌عالی درتحصیلات‌مدارس‌اروپا مداخله نمی کند وپرواضح است که این اصطلاح بخصوص مدارس خارجه‌درایران میباشد مثلا می گویند مدرسه سن‌لوئی از مدارس خارجه است این مدرسه را یکنفر تبعه خارجه تاسیس نموده و مخارجش را نیز از خارجه میدهند و گمان می‌کنم عبارت این لایحه از برای ایفای مقصود کافی است

رئیس - آقای سلیمان میرزا

(اجازه)

سلیمان میرزا- پیشنهادی که‌بنده راجع باین جزو نموده بودم تمام آنها را تقریباً کمیسیون پذیرفته‌است ولی‌یکقسمت آنرا که راجع برعایت‌قوانین حفظ‌الصحه در مدارس بوده گویا فراموش نموده‌اند استدعا می کنم در صورتیکه فراموش‌شده دومرتبه ضمیمه نمایند که بعقیده بنده‌لازم است .

مخبر — این مسئله راجع بپرگرام مدارس است ودر خود پرگرام قید شده است که درمدارس چندنکته بخصوص‌باید طرف توجه واقع‌شود یکی ازآن مواقع رعایت حفظ‌الصحه است وچون درپرگرام این مسئله قیدشده‌است لذا کمیسیون‌دیگر ندانست درجزو وظایف شورای عالی هم ذکر کند

رئیس - آقای کازرانی

(اجازه)

آقا میرزا علی کازرانی-چون بنده حسن تربیت رامقدم برعلم‌بی‌تربیت میدانم لذا هرچند ملاحظه کردم در این ماده ابداً ذکری از حسن تربیت‌ندیدم‌در صورتیکه لازم است شورای عالی معارف وسیله‌اتخاذنماید که اطفال‌مدارس‌اخلاقشان اصلاح وتربیت‌شوند وباوجود اینکه‌اطفال مدارس تعلیمات‌وپرگرامشان نقصی‌ندارد معهذا می‌بینم درمیان‌آنها اشخاص‌بیتربیت وجود دارند و این برای این است که در مدارس‌چندان بحسن‌تربیت اهمیت‌نمیدهند درهرحال عقیده بنده این‌است که‌اگرحسن تربیت نباشد علم هم لازم‌نیست بلکه‌شخص با تربیت بی‌علم ازشخص عالم بی تربیت بهتراست از این‌جهةلازم میدانم که‌اتخاذ وسیله برای حسن اخلاق اطفال مدارس از وظایف مختصه شورای عالی معارف باشد .

مخبر- درصورتیکه در جزووظایف شورای عالی تهیه دستورتحصیلات‌مدارس هست البته این اصل‌هم رعایت‌خواهد شد ولی درهرحال‌مختصری، ازعلل این‌موضوع را عرض می کنم مدرسه هرقدر هم در تربیت‌طفل کوشش نماید تاوقتی که‌تربیت خانواده شروع بشود تربیت مدرسه

بی‌اثر خواهد ماند برای اینکه طفل چون بیشتر اعتماد بخانواده خود دارد البته حرفهای آنها واخلاق آنهادروجود طفل بیشتر موثر است بنا براین تاتربیت خانواده تکمیل نشود مانبایدمتوقع باشیم که اطفال ما در مدرسه کاملا تربیت شوند دلیل دیگر آن چون بنده کاملا این‌قضایا را حس ومشاهده کرده‌ام عرض میکنم‌این است که طفل هرقدر هم که بی‌تربیت‌باشد مادام که در مدرسه است مجبـور است مرتباً ومنظماً رفتار کند ولی وقتی که از مدرسه برای ناهار بیرون‌رفت یا درموقع مراجعت در بین راه بهزار نفر اطفال و اشخاص که معاشرت وملاقات هرکدام آنها سهم مهلکی برای آن طفل‌میباشد برمیخورد بنابراین تاوقتی که این اشخاص واطفال بی‌صاحب‌درخیابانها میباشند و از آن هم بقدر کفایت برای‌جلوگیری‌ازآنها نباشد البته تصدیق میفرمائید چون طفل متمایل ببازی است وقتی چهار نفر را در کوچه با این حرکات دیدالبته‌طبعاً متمایل بطرف آنها شده وبالنتیجه زحمت‌مدرسه بهدر میرود وبالاخره این‌عیب‌روزی‌اصلاح خواهد شد که تربیت خانوادگی موجود باشد .

رئیس- آقای زنجانی
(اجازه)

آقاشیخ ابراهیم زنجانی — بنده ازآقای مخبرسؤال مینمایم که‌مقصود از مراقبت در تحصیلات مدارس خارجه چیست ؟

مخبر — هرمدرسه در مملکت اعم از اینکه مؤسس آن تبعه داخله باشد یا خارجه مجبور است‌پروگرام‌وزارت‌معارف را رعایت نماید والبته باید یك کسی‌باشد که مراقبت نماید و ببیند آیا پروگرام وزارت معارف در مدارس خارجه بموقع اجرا گذارده میشود یا خیر — این یك درجه از مراقبت است درجه کاملتری هم دارد وآن عبارت‌ازاین است که درمواردی که در مدرسه تدریس میشود مراقبت و تفتیش نماید

آقا شیخ ابراهیم زنجانی — بنده هم مقصودم همین است که این عبارت‌کافی بابقای مقصوه نیست چون‌بنده اطلاع دارم که تاکنون مدارس‌خارجه‌مقید پروگرام وزارت معارف نبوده‌اند لذالازم میدانم نوشته شود مراقبت در موافقت دستور تحصیلات‌مدارس خارجه بابرگرام وزارت معارف.

وزیر معارف — در این موضوع که میفرمائید مدارس خارجه باید مطابق پرگرام وزارت معارف رفتار کنند در کمیسیون خیلی مذاکره شد و بالاخره تصور میکنم همین اندازه که نوشته شده است مدارس را وادار میکند که پرگرام وزارت معارف را رعایت کند اگربیش‌از این نوشته شود تصور میکنم عملی نباشد زیرا تحصیلات مدارس خارجه‌دوقسم است یك قسمت فارسی وادبیات داخله است که کاملا با پرگرام وزارت معارف موافقت مینماید وقسمت دیگر تحصیل زبان‌فرانسه وغیره است که مربوط بتعلیمات خصوصی مدرسه است و با پروگرام وزارت‌معارف ممکن است‌مختصر تفاوتی داشته‌باشد و البته نمیتوانم بگویم حتماً طرز تعلیمات خصوصی آنها مثل تعلیمات مدارس داخله باشد .

رئیس- آقامیرزا ابراهیم‌قمی
(اجازه)

آقامیرزاابراهیم قمی — بنده هم باآقای زنجانی در این باب موافقم و عقیده‌ام این است که درآخر این‌قسمت‌این جمله اضافه شود (وتطبیق‌آن بابرگرام وزارت معارف) زیرا البته دستوریکه‌آنها خودشان معین کنندبدرد مملکت‌مانمیخورد واگر هم وزارت معارف نمیتواند اینهارا مجبور نماید برطبق پرگرام‌رسمی‌معارف رفتار نمایند لااقل یك پرگرام مخصوصی برای مدارس خارجه بنویسد که کلیه مدارس خارجه مطابق آن رفتار نمایند

وزیرمعارف — همان‌نظریه‌آقای میرزا ابراهیم بموقع اجراء گذارده شد زیرا پرگرام مدرسه سن‌لوئی راکه‌تقریباً مدرسه متوسطه است بوزارت معارف فرستاده‌اند پس ازدقت در پرگرام آنها تصدیق شده است وتقریباًباپرگرام‌رسمی وزارت معارف‌تطبیق‌می‌نمایدمنتهی‌چیزیکه هست‌درمدارس‌خارجه بزبان فرانسه درس گفته میشود ولی درمدارس داخله‌بفارسی

رئیس — گویا دراین جزء دیگر مخالفی نیست؟

(اظهاری نشد)

رئیس — پیشنهـادی از طـرف شاهزاده سلیمان میرزا راجع بجـزء سوم از ماده ۱۲ رسیده است‌قرائت میشود

بمضمون ذیل‌قرائت شد

بنده پیشنهاد میکنم که جزء سیم (ماده ۱۲) چنین اصلاح شود

۳- مشورت در رفع نقایص تعلیمات عمومی و سعی در تهیه وسایـل تـأسیس مدارس صنعتی وفلاحتی و شبانه روزی و ورزشهای بدنی ورعایت‌قوانین‌حفظ‌الصحه ومراقبت دردستور تحصیلات‌مدارس‌خارجه

مخبر — اضافه کلمه (رعایت حفظ‌الصحه را از طرف کمیسیون قبول میکنم .

رئیس- پس لازم‌برای گرفتن‌نیست جزو چهارم قرائت میشود

(بمضمون ذیل قرائت‌شد)

(٤) تهیه و اصلاح دستورات رسمی کلیه تحصیلات علمی وفنی مدارس ذکور واناث ونظامنامه‌های مدارس

رئیس — مخالفی نیست جزو پنجم

(بطریق ذیل قرائت شد)

٥ — تهیه دستورتحصیلات مدارس معلمین و معلمات و نظامنـامه های راجعه بآنها .

رئیس- آقای حاج میرزامرتضی
(اجازه)

حاج‌میرزا مرتضی — بعقیده بنده اگریك اصلاح عبـارتی دراین جزء بشود بهترباشد وخوب‌است کلمه دستورها عوض دستور دستورنوشته‌شود

رئیس-دیگرمخالفی نیست‌جزوششم قرائت میشود

بعبارة ذیل قرائت شد

(٦) تهیه‌دستورتفتیش اوضاع‌معارف ومدارس وامتحان شاگردان

رئیس- دراین‌جزءهم مخالفی‌نیست جزء هفتم

(اینطور قرائت شد)

تطبیق تألیفات مخصوصه بمدارس دستورات رسمی ورد وقبول آنها

رئیس - مخالفی نیست جزء هشتم قرائت میشود

(باین ترتیب خوانده شد)

۸ — مشارکت با وزیرمعارف در تهیه بودجه ومراقبت درمصارف کلیه‌وجوه مصوبه .

رئیس- در این‌جزءهم‌ایرادی‌نیست جزء نهم .

(بشرح ذیل قرائت شد)

رفع اختلافات بین مدارس واصلاح کتب‌خانه های موجوده

رئیس- کسی مخالف‌نیست‌جزءدهم قرائت میشود

(بشرح آتی قرائت شد)

۱۰ — تعیین مصرف وجود فوق‌العاده که‌برسم هدیه واعانه بمصارف‌میرسد ووجوه موقوفاتیکه‌قانوناً به‌اختیار وزارت معارف گذاشته‌میشودوتعیین‌شهریه‌شاگردان مدارس غیرمجانی دولتی

رئیس- آقای مدرس
(اجازه)

مدرس — از آقای مخبر سؤال میکنم این موقوفاتی‌را که مرقوم‌فرموده‌اند در تحت نظر وزارت معارف میشود حالا مصداق خارجی دارد ویااینکه‌ملاحظه‌آتیه را فرموده‌اند ؟

مخبر — اینجا ملاحظه خاصی‌نشده بلکه ممکن است شامل حال وآتیه هردو باشد ولی بشرط‌اینکه قانوناًباختیارمعارف گذارده شده باشد

رئیس- آقای سلطان العلماء
(اجازه)

سلطان‌العلماء — بنده درضمن شور اول در این‌زمینه مذاکراتی‌نمودم حالا بازناچار از تکرارآن هستم وعرض میکنم مقنن که میخواهد قانون‌بگذاردباید قانونی وضع نماید که روشن و واضح باشد وحال آنکه این قانون روشن نیست و ما بآنچیزیکه در اراده ومشیت وزارت علوم است رأی میدهیم بنـده این مسئله را زائد میدانم اگر راجع به آن قانونی است کـه آقـایـان در دوره دوم تصویب کرده اند بجای خـود باقی ومعین است واگردرآتیه یك همچومصداقی پیدا کرد باز همین مجلس تصدیق اینمراحل را خواهد کرد وحال ما یك رأی‌مجهولی مفهوماً و مصداقاً بدهیم بنده نمی فهمم یعنی چه خـوب است یکقدری واضح بفرمائید مجبوربسئوال ثانی‌نباشم

مخبر — در ضمن شور اول در این زمینه بعضی از آقایان مذاکرات و پیشنهاداتی نمودند و چون قانون اداری وزارت معارف هم کـه سابقاً از تصویب مجلس گذشته است یك اداره اوقافی‌قابل شده و یك وظایفی هم برای آن معین نموده است و بوزارت معارف حق داده است که یك قسمتی از موقوفات را اداره کنداین است که‌بعضی‌ازآقایان‌پیشنهاداتی کرده‌اند و بقانون اداری وزارت معارف اشاره کرده بودند بعضی‌پیشنهاد کرده‌بودند اضافه‌شودحسب‌ماواوقافهاواهلها بعضی‌دیگر قائل بودند که نوشته شود موقوفاتی‌که وزیر معارف میتواند باجازه حکام شرع درآنها مداخلات نماید بالاخره روح تمام آن پیشنهادات راگرفتند و نتیجه آنها عبارت از این شد که کمیسیون کلمه قانوناً را دراین جزء بگنجاند وتصور میکنم هر وقت وزارت معارف قانوناًحق دخالت در یکی‌ازموقوفات را داشته باشد این جزء شامل‌آن خواهدبود وخواه درسابق داده شده باشد خواه در لاحق چنین حقی‌داده شود واگرهم هیچ وقت‌چنین حقی‌بوزارت معارف داده نشده باشد البته این قسمت مورد نخواهدداشت باین جهت تصور می کنم کلمه قانوناً که کلمه جامع‌الاطرافی است و در اینجا ذکر شده خوب وکـافی باشد

رئیس — آقای مدرس
(اجازه نطق)

مدرس - چون بنده در شور اول حاضر نبودم لذا ازفرمایشات آقای مخبر چنین مفهوم شد که مقصود از این قسمت آن موقوفاتی است که مصرفش وجوهات بریه است که‌باید بمصرف معارف برسد و از ذکرهدیه و اعانه نظرشان بآن وجوه بوده است و تعیین مصرف آن وجوه را بعهده شورای عالی‌معارف واگذارنموده‌اند لذا بنده عقیده‌ام این است و پیشنهاد هم نموده‌ام که بعوض لفظ (باختیار وزارت

معارف) نوشته شود (قانوناً بمصرف معارف بایدبرسد) واگراین ترتیب‌قبول شود گذشته و آتیه هردو را شامل خواهد شد ومقصود آقای مخبرهم انجام میگیرد

رئیس - آقای حاج‌شیخ اسدالله
(اجازه)

حاج شیخ اسدالله - اگر این پیشنهادپذیرفته شود رفع اشکال بنده را خواهدکرد والا اگر بحال خودش باقی باشدممکن است بیك مشکلاتی بربخوریم زیرا موقوفاتی که‌باختیار وزارت معـارف گذارده شده ممکن است بعضی از آنها مصارف معین داشته باشد البته‌موقوفاتی که مصرف معین ندارد تعیین مصرف آن با شورایعالی معارف خواهد بود ولی اگر مصرف معین داشته‌باشد آنوقت این جزء هامل‌آن نخواهدبود

مخبر - بنده پیشنهاد آقای مدرس را ازطرف کمیسیون قبول میکنم

رئیس - شاهزاده محمدهاشم میرزا
(اجازه)

محمد هاشم میرزا - بـنـده پیشنهادی کرده ام گمان میکنم اگر قبول شود بدنباشد

رئیس - پیشنهاد آقـای مدرس قرائت میشود

(بمضمون ذیل قرائت شد)

پیشنهاد میکنم بجای فقره دهم از ماده دواز دهم باختیار وزارت معارف گذاشته میشود (قانوناً بمصرف معـارف باید برسد)

رئیس - ایـن پیشنهاد را آقـای مخبر قبول نمودند جزء یازدهـم قرائت می شود

بترتیب ذیل‌قرائت شد

(۱۱)— تشخیص صلاحیت اشخاص که‌اجازه تأسیس مدرسه و امتیاز مجله و روزنامه میخواهند

رئیس - آقای زنجانی
(اجازه)

زنجانی - جزء اخیراین قسمت‌را صحیح نمیدانم شورای عالی معارف نباید دراین کونه اموردخالت نمایدزیراتصویب امتیازروزنامه‌با شورای معارف وبرای‌این مسئله بایستی با مردم طرف شود و حـال آنکه شورای عالی‌معارف باید یك مقـام خیلی‌عالی داشته باشد امتیاز روزنامه یـا مجله با اداره مطبوعات است ولی البته تصدیق صلاحیت اشخاصی که میخواهنـد تأسیس‌مدرسه‌نمایندباشورای‌عالی‌معارف‌است لذا بنده تقاضا میکنم ایـن قسمت اخیر حذف شود

رئیس — آقای محمد هاشم میرزا
(اجازه نطق)

محمدهاشم میرزا - بنده خیلی تعجب می کنم که شورای عالی معارف را اینقدر کوچك تصور کرده‌اند که‌اگراجازه امتیازروزنامه‌به‌یك‌شخص نالایقی‌ندهد باید با او طرفیت پیدا نمایند بنده شورایعالی معارف را یك مقام عالی‌میدانم که‌باید در امورات کلی‌معارف دخالت نماید اگربااین چیزهای جزئی متزلزل شود بنده تصور میکنم همچو شورای معارفی برای ما کار نخواهد کرد همانطور که‌ممکن است اگر اجازه بمدیرمدرسه ندادا با اوطرفیت پیدا نمایدممکن‌است‌اگر تشخیص‌عدم‌لیاقت‌یکنفر مدیرروزنامه راهم بدهدبا اوطرفیت پیدا نماید این دلـیل نمیشود زیـرا روزنـامه حکایت‌درتوسعهٔ‌معارف‌مینمایدوبقول‌خودشان روزنامه آینه‌افکاراست‌چگونه‌میشود شورای معارف تشخیص‌صلاحیت اشخاصی‌را که‌همه گونه مداخلات در امور هیئت اجتماعیه دارندندهند وآنوقت یکنفررئیس‌مطبوعات تصدیق صلاحیت‌آنها را بنماید البته‌اگر یك هیئتی‌تشخیص صلاحیت آنها را بدهد خیلی‌بهترخواهد بود ازاینکه فقط نظریه یك نفرمدخلیت داشته‌باشدبنا براین‌بعقیده بنده این قسمت خیلی‌لازم است ونبایستی حذف شود

رئیس - آقای حاج میرزا مرتضی موافقید ؟

حاج میرزا مرتضی - عرایض بنده را شاهزاده محمـد هـاشم میرزا فرمودند وبنده دیگرعرضی‌ندارم

رئیس — آقای نظام‌الدوله بنده هم با ماده موافقم

رئیس — آقای سلیمان میرزا
(اجازه)

سلیمان میرزا - اولا در اینجـا مینویسد امتیاز گمان میکنم اگر قانون معارف را در نظرداشته باشیم (اجازه) نوشته‌شده روزنامه نویسی چیزی نیست که امتیازمخصوص بخواهد درقانون مطبوعات هم قیدشده که هرکس میتواند درمملکت که زبان و عقاید آزاد است مطـابق قـانـون اساسی عقـاید خـودش را آزادانه اظهار نماید ونیز می تواند در روزنـامه درج نماید بهمین نظریه است که مجلس هم مطالب را علنی اظهـار میدارد وچیزی در پرده گفته نمیشـود بنا براین امتیاز نیست بلکه اجازه در روزنامه نویسی است وباید در قانون هم این کلمه تغییر نماید ثانیاً بنده مخالف قسمت اخیر این جزء هستم‌زیرا امتیاز مجله و روزنامه را جزو وظـایف شورای معارف نمیدانم و در قانون جراید هم این مسئله قید شده و مامور اجرای آن تعیین شده بلی آقای محمد هاشم میرزا فرمودند جراید زبان ملت وبرای نشر معارف‌خیلی مهم‌می‌باشد وبزرگترین راهی است که برای ترقی معارف لازم است بنده‌هم تصدیق میکنم ولی‌از آن طرف باید درنظرداشته باشید که‌شورای معارف امروز ما که تازه شروع بکارمی کنند البته بااین همه کارهـا که برعهده‌او گذارده ایم نمیتواند از عهده اینکـار کاملا برآید علاوه بر این خدمت آنها مجانی است‌البته نباید این همه کار بر آنها تحمیل شود واگرهم بگویم عشق مفرط آنها ترقی معارف خیال مجـانی بودن را بخاطرشان راه نداده و باعقیده پاك بـانهایت افتخار کار میکنند باوجود این گمان میکنم اگر مسئله جرایدهم که‌امروز اهمیتش برهمه کس معلوم است جزو وظایف آن‌ها بشود دیگر بکارهای مدرسه که‌مهمترین وظایف آنها است نرسند واگر مسئله جراید پیش بیاید یقیناً نمی توانند برای‌تهیه وسائل تاسیس مدارس شبانه روزی یاصنعتی یافلاحتی‌را تهیه کنند بنا براین بعقیده بنده از برای پیشرفت وتسریع درترقی مدرسه قسمت اخیر از این‌ماده حذف شودبعدازیکسال ونیم که‌کارهای شورای معارف در جریان افتاد باز اشکالی نخواهد داشت که‌این کارراهم بروظایف شورای عالی‌معارف اضافه‌نمائیم لذا تقاضا میکنم این قسمت درموقع رأی تجزیه‌شود .

مخبر - اشکال حضرت والا راجع بلفظ امتیاز دراین‌جاوارد نیست زیرا در مورد روزنـامه ومجله هم اجازه صحیح است وهم امتیاز اجازه برای‌تاسیس روز نامه است و امتیاز راجع باسم مجله یا روزنامه‌است که‌دیگر کسی‌حق‌نداشته باشد آن اسم رابرروی رونامه خود بگذارد پس‌از این نقطه نظر تصور میکنم این اشکال وارد نباشد اما راجع بقسمت دوم که آیاتشخیص صلاحیت مدیران جرایدو مجلات ازوظایف شورای عالی معارف باشد یانباشد آنقسمت را برای مجلس واگذارمیکنم .

رئیس - آقای حاج میرزامرتضی
(اجازه)

حاج میرزامرتضی - بنده در قسمت امتیاز واجازه عرضی ندارم فقط راجع بفرمایشی که‌حضرت والا فرمودند که‌مسئله روزنامه وقت انجمن شورای‌عالی معارف را اشغال میکند بنده‌عرض‌می کنم این مسئله مهمی نیست فقط باید تشخیص صلاحیت مدیر ومؤسس روزنامه را بدهند نه‌اینکه به‌بینند در روز نامه چه مینویسند وچه قید شده واین هم بعقیده بنده یك کار بسیار سهلی است وگمان می کنم‌پر زحمت هم نیست که بگویم وقت زیادی را اشغال می کند وشورای عالی معارف نمیتواند بکارهای دیگر برسد بنا براین عقیده ام این است که هرکس میخواهد امتیاز یااجازه روزنامه بگیرد بایدتصویب صلاحیت آن‌شخص باشورای عالی‌معارف باشد .

رئیس - مذاکرات در این باب کافی است ؟

(گفته‌شد کافی‌است)

رئیس- جزویازدهم را بدوقسمت تفکیك میکنیم قسمت اول‌ازلفظ‌تشخیص تا لفظ امتیاز وقسمت دوم از لفظ امتیاز الی آخر حالا رای میگیریم بقسمت اول آقایانیکه قسمت اول را تصویب میکنند قیام‌فرمایند :

(اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد رأی می گیریم بجزء دوم آقایانیکه جزء دوم را تصویب میکنند قیام‌فرمایند

(غالبا قیام‌نمودند)

رئیس - تصویب شد رأی میگیریم بکلیه جزء یـازدهم آقایـانیکه جـزء یازدهم را تصویب می کنند قیام‌نمایند .

(اکثر قیام نمودند)

رئیس — تصویب شد اگرآقایان موافق باشند بیست دقیقه تنفس‌شود .

در اینموقع آقایان نمایندگان‌برای تنفس ازمجلس خارج وپس‌از نیمساعت مجدداً مجلس‌تشکیل گردید .

وزیر عدلیه — قبل ازاینکه مجلس شورای ملی داخل دستور معمولی خود شود اجازه می‌خواهم بودجه وزارت عدلیه را که‌تهیه شده است تقدیم مجلس کنم و استدعا میکنم اگر مانعی نیست مقدمه آن در مجلس علنی خوانـده شود .

بآقای رئیس تسلیم نمودند وآقای تدین مقدمه آن را بمضمون ذیل قرائت نمودند) .

مقام‌محترم مجلس شورای ملی‌شیداله ارکانه — درمقدمه بودجه وزارت عدلیه که‌تقدیم میشود اجازه‌میخواهم که‌چند کلمه درباب تشکیلات وزارت عدلیه از نقطه نظر بودجه عرض کنم .

تشکیلات وزارت عدلیه بدو قسمت متفاوت یعنی محاکم وتشکیلات پیش بینی شده در بودجه محاکم غیر موظف‌تقسیم می شود وهمین اصل در بودجه هائی که تابحال برای وزارت‌تهیه شده است‌منظور بوده در سنواة ۱۲۹۸ و ۱۲۹۹ شمسی که‌بودجه‌وزارت‌عدلیه‌مبلغ‌چهارصدویکهزار و پانصدوپنجاه ودوتومان بالغ بوده است محاکم هشت حوزه استیناف‌ی‌آذربایجان خراسان —فارس — کرمان -اصفهان همدان- گیلان-مازندران-ودوحوزه‌ابتدائی (قزوین وزنجان) موظف بوده بعلاوه مبلغ دوازده هزار و سیصد تومان‌درسال کمك خرج بعضی از رؤسا و مأمورین عدلیه از محل اعتبار تأدیه میشده است بقیه محاکم وزارت عدلیه که عبارت از

(۵۳) محکمه بدایت و صلحیه باشد غیر موظف بوده و باید اعضاء آنها ازعایدات خود امرار معاش مینمودند در هذه‌السنه ۱۳۰۰ شمسی نیز که بودجه‌وزارت‌عدلیه‌به مبلغ چهارصد و هشتاد و چهار هزار و هفتصد و بیست و هفت و تومان بالغ‌می شود محاکم‌هشت‌حوزه استینافیه مذکوره در فوق و حوزه بدایت (قزوین وزنجان بروجرد - یزد کرمانشاهان) پیش بینی شده بملاوه (۱۰۹۲۵) تومان درسال بیارهٔ روساء و مامورین عدلیه کمك‌خرج داده شده است بعبارت دیگر در سنوات ۱۲۹۸و۱۲۹۹ که‌وزارت‌عدلیه(۴۱۰۵۵۲ بودجه داشته است‌در ولایات هشت محکمه استیناف و دو محکمه ابتدائی موظف موجود بوده و در سنه ۱۳۰۰ که‌وزارت عدلیه دارای (۴۸۴۷۲۷) تومان می باشد برای ولایات هشت محکمه استیناف و سیزده محکمه بدایت پیش بینی شده است و در نقاط ذیل

عراق — ساوه — قم — سمنان دامغان - شاهرود بسطام - مراغه - ساوج بلاغ - سراب - اردبیل - آباده - بوشهر تربت - قوچان- نیشابور - سبزوار — کردستان - ملایر - نهاوند - تویسر کان انزلی - مشهد سر - استراباد - کاشان نطنز - گلپایگان - خوانسار — کمره ۳۹ محکمه ابتدائی و صلحیه نیز موظف از خزانه‌دولت پیش بینی نشده دربودجه برقرار است در صورتیکه در بودجه سنه ۱۳۰۱ شمسی در حدود چهار صد هزار تومان اعتبارمصوبه چهار محکمه استیناف و شانزده‌محکمه بدایت‌پیش بینی شده‌است چنانکه‌مکرر درمجلس شورای ملی‌عرض شده است‌مضرات‌محاکم‌غیر موظف محتاج بعرض و تشریح نیست زیرا محاکمی که از دست رنج خود یعنی دعاوی ارجاع شده بآنها باید حقوق بگیرند ذی نفع‌در کثرت دعاوی بوده وبالنتیجه دی نفع‌در ایجادآن خواهند بود ودرعوض‌طرفداری از اصول مسلم تقلیل دعوی بر عکس مروج اصل مخالف آن بوده و نتیجه که از این ترتیب حاصل میشود این است که نه مرتباحقوق قضاوت عدلیه تامین وتادیه شده و نه مردم از کوشش خود قضاوت در تهیه زمینه اقامه دعوا در عدلیه ایمن هستندبعلاوه مقصودعمده ازاعزام‌مامورینی که بدون بودجه بولایات فرستاده شده‌اندتهیه کار برای بیکار های مزاحم و از سر باز کردن‌آنها بوده و پس از دادن حکم بآنهادیگروزارت‌عدلیه حق نظارت کامل در اعمال آنها را اخلاقاً ار خود سلب‌می نموده است چه نظارت واقعی در عملیات حوزه‌قضائیه که بطور مقاطعه‌محل‌ارتزاق واقع میشود .

اخلاقاً غیر ممکن ویا لااقل صوری است علی‌الخصوص که درانتخاب اعضاء محاکم غیرموظف که اسامی آنها نیزدرردیف سایر اعضاء عدلیه در پرسنل ثبت وبدون فرق جزء مستخدمین عدلیه محسوب میشوند و دارای حق اشغال‌تمام مقامات قضائی‌عدلیه میگردند وقتی که درخورمقام است نشده‌و بواسطه غیر موظف بودن محاکم مورد مسامحه بیشترپیش می‌آید وازاین طریق نیزممکن است مفاسدی در جامعه قضائی عدلیه تولیدگردد البته مرام عمومی باید این باشد که کلیه افراد ملت ایران از نعمات عمومی که تهیه آنرا دولت‌عهده‌دار است یعنی‌ازامنیت‌ومعارف وعدالت‌بهره‌مند بشوند وازهمین نقطه نظر سعادتمندترین دوره زندگانی ملت ایران دورهٔ خواهد بود که تشکیلات‌معارفی وقضائی‌درسرتاسر مملکت برقراروبدون تحمل خرجی افراد مملکت بتوانند درس خوانده واحقاق حق خودرا بعمل بیاورند ولی شرط حتمی اجرای این درمان عمومی تامین مصارف مادی تشکیلات مزبوره است دولت باید میزان استعداد مالی خود را سنجیده و متناسب‌باآن درصدد دائر نمودن ادارات خود برآید والا درعوض حسن نتیجه‌عملا حتماً سوء نتیجه حاصل خواهد شد بعقیدهٔ بنده تشکیل ندادن محاکم قضائیه درپاره نقاط مسلماً مرجح برتشکیل محاکمی‌است که معل معاش اعضاء آنرا دولت تأمین ننماید زیراکه نتیجه تعیین مأمورین عدلیه که معاش آنها تأمین نشده‌باشد جز بدنام کردن قوه‌قضائیه وموهون‌نمودن‌تشکیلات دولتی چیز دیگری نخواهد بود بهمین ملاحظات است که پس ازتصویب بودجه فعلی فقط درنقاطی محاکم عدلیه برقرار خواهد بودکه در بودجه پیش بینی نشده است بنابر این درصورت تصویب تقسیم جزء چهارصدهزارتومان‌اعتبارمصوبه‌بودجه سنه ایت ئیل۱۳۰۱ که تقدیم‌میشودچهارده حوزه استیناقی که آذربایجان و خراسان وفارس و کرمان باشد و دوازده محکمه ابتدائی‌مطابق‌شرح‌ماده۲۱ دائرخواهدبود واگرمجلس شورایملی اضافه اعتباریرا که درخواست شده است تصویب نفرمایند تشکیلات قضائی محدود بنقاط معروضه‌در فوق خواهد بود ولی بملاحظات عدیده وزارت عدلیه‌مقتضی میداند که مطابق‌مواد از۲۳الی۲۹ بربودجه‌جزء اعتبارچهارصد هزارتومان‌ضمیمه‌نیزاضافه نموده‌وبمجلس‌شورای تقدیم داردومطابق این ضمیمه که‌مبلغ کل آن به ۱۱۳۱۶۰ تومان بالغ میشوداولا برای همدان که‌نسبت‌بولایات‌غرب‌مرکزیت دارد ومرکز طبیعی حوزه‌استینافیه غرب محسوب می‌شود یك‌محکمه استیناف پیش بینی‌شده ومصارف آن مطابق‌ماده۲۳ بر آورده شده است

ثانیاً مطابق ماده ۲۴ یك محکمه استیناف برای‌اصفهان که‌از حیث‌استحقاق داشتن محکمه استیناف مقدم برسایر نقاط است‌منظور گردیده

ثالثاً مطابق ماده ۲۵ برای محکمه بدایت مازندران که بواسطه کثرت‌مراجعات یك شعبه ابتدائی کافی نیست شعبه ثانی منظور شده است رابعاً مطابق ماده ۲۶ دائر داشتن سدمحکمه ابتدائی‌درعربستان و سیستان واستراباد چه‌ازنقطه‌نظر قضائی وچه ازنقطه‌نظر ملاحظات عمومی و لزوم دائرنمودن ادارات دولتی دراین‌نقاط‌صلاح است محفوظ شده

خامساً مطابق ماده ۲۸ دائر نمودن ۲۱ محکمه صلحیه و مطابق ماده ۲۷ توسعه اداره ثبت اسناد پس‌ازتصویب‌شدن قانون آن مطابق ماده ۲۹ اضافه خرج تشکیلات قضائی گیلان که بواسطه‌داشتن محکمه استیناف درسابق‌و انحلال‌فعلی‌آن حاصل شده است پیش بینی گردیده‌است مخصوصاً تاسیس‌صلحیه‌هانهایت‌لزوم‌رادارد زیراکه‌بواسطه محدود بودن‌صلاحیت‌آنها درقطع دعاوی کوچك که‌بیشتر در میان مردم وجود دارد مرجعیت آنهابیشتر واز این حیث موجبات رفاه‌مردم بیشتر فراهم می گردد درباب اداره‌ثبت اسناد بایدخاطر نمایندگان محترم مطلع شود که اداره مزبوره‌تابحال دارای چهل‌هزاروچهارصدو شصت تومان بودجه وعده زیادی ۶۷ نفر اعضاء واجزاءبوده‌است ولی‌در بودجه که حالیه تقدیم می‌شود فقط دوازده هزار و سیصد تومان پیش بینی شده و ۲۸۱۶۰ تومان‌صرفه‌جوئی بعمل آمده است‌وپس‌از تصویب اعتبار دوازده هزارتومان اعتبار ماده ۲۷ بازهم بودجهٔ اداره ثبت اسناد شانزده هزار تومان کمتر از بودجه‌جاری فعلی خواهدبود

البته نمایندگان محترم درنظردارند که مطابق اصل پذیرفته شده‌دنیای‌امروزه مصارف تاسیسات قضائی راهیئت اجتماعی بلاعوض پذیرفته وحقاً عایداتی رانبایـد منتظر باشد بنابراین هرمیزانی که برای تأسیسات قضائیه ازخزانه مملکتی مصرف شود سزاوار وگواراست باوجوداین نباید فراموش‌کرد کهمحاکم عدلیه‌خودعایداتی دارند که‌در مقابل مصارف ضبط خزانه مملکت شده ویك‌قسمت عمده مخارج پیش بینی شده دربودجه جبران می‌شود بعلاوه اگر اداره ثبت‌اسناد مطابق باقانون‌جدیدی که بمجلس شورای ملی می‌شود بعلاوه اگر اداره‌ثبت اسناد مطابق درچندی‌قبل پیشنهاد شده است‌دایر بشود قسمت‌اعظم و بلکه تمام مصارف تشکیلات قضائی اداری وزارت عدلیه ازاین محل تأدیه‌شده و تحمیلی بربودجه مخارج عمومی نخواهد شد بنابراین این‌امیدمیرود که‌اضافه‌بودجه وزارت عدلیه‌نیز موردتصویب‌مجلس‌شورای واقع شود یك ایراداساسی بر بودجه‌تقدیم شده سنه‌آتیه وارد است که‌لازم است‌خود بنده اعتراف بآن نمایم وآن کمی حقوق است که برای مستخدمین و اعضاءوزارت عدلیه دربودجه منظور شده است که‌واقعاً باگرانی عمومی که فعلا درمملکت ایران کارفرماست زندگانی کردن بااین حقوق فوق‌العاده سخت ومخل‌حسن جریان امور است یگانه عذر موجه بنده در تقلیل‌حقوق و اعمال نهایت صرفه جوئی همانا وضعیت مالی فعلی دولت‌است که موقتاً نازمانی که گشایش درووضعیت‌مالی مملکت‌حاصل‌نشود قناعت ووطن پرستی دو کلمه مرادف هم شده‌اند ولی امیدواری کامل میرود که‌در اولین مرحله امکان مجلس شورای ملی اجازه داد که لایحه‌اضافه‌حقوق‌اعضاءعدلیه بمجلس شورای ملی تقدیم و تصویب آن درخواست شود

وزیرعدلیه — در خاتمه خیلی متشکرمی‌شدم اگر کمیسیون بودجه‌زودتر بودجه عدلیه را تحت مطالعه قرار میداد و راپورتش را بمجلس تقدیم می کرد که زودتر وزارت عدلیه بتکلیف خود رفتار مینمود

رئیس - آقای‌مدرس

(اجـازه)

مدرس - بهتر این است‌قبل‌ازاین که این مقدمه بکمیسیون برود چاپ‌شده بین آقایان نمایندگان توزیع‌شود که در آن‌مطالعه کنندونظریات خود رابکمیسیون اظهار دارند زیرا دراین مقدمه چیزهائی بود که‌من سر درنیاوردم

رئیس — طبع و توزیع خواهد شد - چندنفر از آقایان پیشنهاد کرده‌اند دستور را تغییر بدهیم لایحه شورای‌مالی معارف بماند برای جلسه بعدوداخل‌درشور لایحه الحاق‌آب کارون بزاینده رودشویم آقایانیکه این پیشنهاد را تصویب‌میکنند قیام فرمایند

(اغلب قیام نمودند)

رئیس — تصویب شد شور اول است مذاکرات در کلیات است مخالفی هست ؟ آقای حائری‌زاده مخالفید

حائری‌زاده - بنده موافقم‌اصلاح عبارتی بنظرم رسیده

رئیس - آقای‌رئیس‌التجارمخالف هستید ؟

رئیس التجار - بلی

رئیس - بفرمائید

رئیس التجار- اصل الحاق آب کارون بزاینده رود هیچ قابل مخالفت نیست وباعث آبادی است امابنده تصور می کنم که دراین راپورت وپیشنهادیکه

چند مسئله ناقص است ومی‌خواستم‌توضیح بدهند در اینجانوشته می‌شود سیصدهزار تومان‌اعتبارو بوزارت‌فوایدعامه‌داده‌میشودآیا این‌اعتباری که‌داده‌میشودازروی‌صورتی‌است که‌یك مهندس داده و باز دیدشده رمعلوم شده‌اینقدر خرج دارد یا خیر ؟ اگر از این مبلغ زیادتر خرج شد اینمبلغ راکی می‌دهد ؟ ازخزانه دولت داده میشود ، یا همان اشخاص‌میدهند ؟ واگر آنها میدهند بچه ترتیب می گیرند ، ثانیاً اگر این سیصد هزار تومان خرج شده و این آب در نیامد وکسانی که این پول را می‌دهند بعد لازم ندانستند بازپولی‌خرج کنند آیا این سیصد هزار تومان از جیب دولت خواهد رفت ؟ یا آنها این خسارترا قبول می کنند ! این را هم لازم است آقای مخبر توضیح بدهندخود بنده بطورمختلف شنیده ام گاهی میگویند آب رود کارون است که ممکن است بزاینده رود بیاورند وگاهی میگویند یك چشمه است و بنده خیال میکنم آب چشمه آنقدرزیادنخواهد بود چون بیشتر گفتندتا هشتصدسنك آب بازدید کرده‌اند وامشب گفته‌می‌شد ازچهل سنك تا صدسنك است والبته ما بین این دونظرخیلی‌فرق هست من در تاریخی که مرحوم سر دار اسعد بختیاری نوشته است خوانده ام وهمینطورهم شنیده‌ام که‌دراینجا سلاطین صفویه خیلی‌خرج کرده که تقریباً معادل پنج شش کرور پول حالیه بوده و مقدماتش بعمل‌آمده ولی‌نتیجه حاصل‌نشده بطور یقین نمیدانم چقدر خرج شده ولی ازاین مبلغ سیصد هزارتومان که‌حالا می‌گویند خیلی‌خرج شده ودیگرآنکه بنده میخواهم بپرسم ما بین این چشمه و رود زاینده رود آیا اراضی‌لم یزرع بی‌حاصلی هست که بشود برعایا داد که رعایا در آن کشت وزراعت کنند یا خیر؟ اگر نیست عیبی ندارد که تمام آب کارون را وارد زاینده رود کنند دیگراینکه‌بنده اعتراض دارم که چرا دولت باید این پول‌را پس بدهدچون آنطوریکه آقای حاج امین - التجار در کمیسیون اظهار کردند ملاکین کنار زاینده رود قرار گذاشته اند جریبی دوریال یا سه‌قران این پول را بین خود تقسیم کنند و بدهند پیشنهاد اول اینطور بوده که‌تمام این سیصد هزارتومانرا دولت پس بدهد ولی‌بعد قرارشده دویست هزار تومان آنرا دولت‌پس بدهد وبنده‌با اینکه دولت این پول‌را پس بدهد مخالفم برای اینکه‌پس ازآنکه این آب داخل زاینده رود شود نه قسمت مانده آنرا ملاکین میبرند ویك قسمت‌آنرا دولت میبرد وآن یك قسمتی‌هم که‌دولت میبرد همان مالیاتی است که معمولا میگیرد چنانکه بنده هم اگربخواهم‌آبی‌را ازیك جائی‌برای‌زمینی بیاورم و زراعت کنم دولت فوراً ممیزش می‌آید ممیزی میکند ویك مالیاتی‌میگیرد بعلاوه تصور نمیکنم برای رعایا هم یك منافعی‌داشته‌باشدحالا ازنقطه نظر این‌نیست که‌بخواهم یك رعایتی درباره رعایا بکنم در حالتیکه خودم ملاکم یك حقیقتی را عرض می کنم بنده دراینجا فایده‌هم برای رعایا نمی‌بینم یعنی‌رعایا همان تقسیمی را کما بین‌آنها وارباب‌آنها معمول‌بود حالا هم خواهد بود پس فقط نتیجه که حاصل میشود این است که این آب را مالکین می‌برند وصاحب یك منافع کثیره میشوند و دولت هم در اینکار یك فایده زیـادی نخواهد برد پس نظر باینکه دولت یك منافع علیحده نمی‌برد بعقیده بنده این‌پول را نبایدپس بدهد این یك قسمت که‌راجع باصـل پـول دادن است قسمت دوم این است که از قراری که بنده شنیده‌ام علت نبودن آب در دهات پائین اصفهان این است کهمالکین بالادست‌رود زاینده‌رود بواسطه شالی کاری‌زیاد که‌اخیراً می کنند نمی گذارند آب‌ازبالا بپائین‌بیاید وبهمین جهت یك قسمت‌زیادی از مالیات دولت هم همه‌ساله ازآن دهات پائین‌وصول نمی شود اگرچه در کمیسیون فواید عامه که مذاکره شد جواب‌مارا اینطوردادند حالا یك‌مقدار ازمالیات دولت که‌قریب‌هفتاد هزار تومان است وصول خواهد شد واین منافع دولت خواهدبود درصورتی که بنده تصور میکنم بازاین آب راهمان مالکین علیای رودخانه بمصرف خواهندرسانید و اراضی مابین اصفهان مشروب‌نخواهد شد وبازهمان دهاتی که‌فعلا خراب است‌ومالیات نمی‌دهند بایر خواهند ماند درقسمت اول که دولت دویست هزارتومان رانباید پس بدهد بنده عقیده‌ام‌را در کمیسیون هم‌عرض کردم وجوابی که دادند بنده قانع‌نشدم و البته اکثریت مجلس هرطورصلاح بدانند صحیح است ولی بعقیده بنده اگر دو سه شرط دراین‌جا بشودخیلی خوب است‌یکی اینکه عوض این دویست هزارتومان یك چیزی بحقوق رعایااضافه شود چون این یك‌حقی است که مخصوص دولت است ونه قسمتش‌را مالك می‌برد در اینصورت اگر ممکن است‌یك رعایتی نسبت برعایا بشود ویك عشرونیم عشری از منافع این آب برای آنها منظور شود که متوجه آبادی شوند و دیگر اینکه قرار بگذارند این مقدارآبی که از کارون یـااز چشمه وارد زاینده‌رود میشود از جلو اصفهان بگذرد برای آبادی اراضی‌زیر اصفهان برای‌این که اراضی بالای اصفهان که همیشه آب داردومشروب‌است‌بازاگراین‌قرارداده‌نشود موافق همان ترتیب معمولی که‌می‌بینیم‌همه جا مالکین بالای رودخانه آب‌را میگیرند ونمی گذارند بپائین برسد بازهم آبراآن ها خواهند برد وباراضی پائین چیزی‌نمی دهند بنابراین اگر آقایان صلاح بدانند این مقدار آب‌را معدود بکنندبرای‌املاك زیردست‌اصفهان که دهاتی که آب‌نداشته‌و خراب‌شده‌آباد شود واگرهم‌دولت‌در آنجا اراضی‌بایری‌داشته‌باشدخوب‌است‌فعلا پیش‌بینی کنند و یك ثلث یا یك‌ربع این آب را تخصیص بخود داده و برعایا بدهد تا آن اراضی را زراعت کنند و یا اینکه شرط بشود که بعض‌اینکه این آب به اصفهان رسیداملاك اطراف‌رودخانه‌ممیزی شود و یك‌عشر از عواید آنها را دولت ببرد .

در این قسمت اخیر که عرض کردم لابد جواب خواهند فرمود که البته ممیزی میشود و همه عشریه خواهندداد ولی ۱۵ سال قبل‌هم که بنده در مجلس‌بودم‌مسئله ممیزی عمومی مطرح بوده و تا امروز که پانزده سال میگذرد هنوز اینکار صورت نگرفته .

بنا بر این استدعای بنده این است که این شرط را بگذارند که‌پس‌ازبیرون آمدن آب تمـام املاك اطراف رودخانه زاینده‌رود ممیزی میشود و عشرش‌را باید بدولت بدهند این چیزهائی‌است که بنده بنظرم آمده و عقاید خود را عرض کردم بدون اینکه هیچ نظری جز صلاح دولت داشته‌باشم .

آقامیرزاعلی کازرونی (مخبر کمیسیون فوایدعامه) — آقای‌رئیس‌التجار اعتراف دارند که این‌کار نافع است و اصولا موافقند نهایت‌درشرایط وترتیباتش مخالفت‌دارند ما بایستی ببینیم‌این ترتیبات کدامش برای دولت و چه چیزش برای ملت مضراست .

اما ضرر راجع بدولت قبلا بایستی عرض کنم که بهیچوجه و بهیچ‌عنوان‌ضرری بدولت‌توجه ندارد این مسئله کـاملا در کمیسیون مذاکره شده و تصویب‌شده که سیصدهزار تومان بفواید عامه اعتبار داده شود و ازاین مبلغ ملاکین متقبل‌شده‌اند که بعنوان اعانه صدهزار تومان بدهند میماند دویست‌هزار تومان این‌دویست‌هزار تومان را هم خود ملاکین بترتیبی که خودشان مابین‌خود تقسیم میکنند بدولت قرض میدهند بشرط اینکه دولت‌این پول را در ظرف پانزده‌سال باقساط متساویه‌از بابت مالیات محسوب بدارد برای این که اینمبلغ را خرج کنند تا آب بیرون بیاید و اگر آب بیرون نیاید مسلم‌است‌اینخرج را خود مالکین باید بدهند ودیناری‌ضرر متوجه دولت نخواهد شد و وزارت فواید عامه در ضمن قبض رسیدی که به آن ها میدهد و درضمن مقاوله که بآنها رد وبدل میکند این‌شرط‌را با آنها خواهد کرد و ملت اینکه ما در این پیشنهاد ذکر نکردیم این که یك حقوق خصوصی برای کسی ذکر نکرده باشم که نگویند یکصد هزار تومان برای اعانه‌دادیم و دویست هزارتومان هم قرض دادیم وضمناً یك حق خصوصی برای آنها معرز شده باشد در اینصورت اعتراضات آقای‌رئیس‌التجار مرتفع باشد وباز هم عرض‌میکنم دولت بهیچ وجه من‌الوجوه متضرر نمیشود و اینکه میفرمایند شاید مخارج از سیصد هزار تومان بیشتر بشود البته احتمال‌دارد ولی ازقرار ممیزی که چند سال قبل‌شده بسیصد هزارتومان تخمین شده وفرضاًهم زیادتربشود اگر فرق‌قدرت ملاکین‌نباشد باز خودشان متحمل خواهندشد بعلاوه‌پس از اینکه این‌مسئله از مجلس گذشت البته قبل از اینکه داخل در عـملیات بشوند مهندس میفرستند ویك دقت کاملی مبذول میدارند و پس از اینکه مهندس رفت و بازدید کرد اگر دید مخارج بقدری زیاد است که برای آنها ممکن‌نمیشود البته‌اقدام نخواهند کرد ومعلوم است تامهندس‌نرودو صورتی تهیه‌نکند داخل‌عمل نخواهند شد با این ترتیب گمان میکنم هیچ محظوری دیگرنباشد واینکه میفرمایند اضافه‌مالیاتی بر قرار شود و یك ممیزی علمی بشود ملاحظه بفرمائید در اینجا امتیازی‌بکسی داده نشده وهیچ قیدی‌هم نشده دولت به اختیار خود باقی است آب که بیرون آمد مثل سایر آبها که بملکیت دولت است‌آن هم متعلق بدولت خواهد بود و دولت هر وقت صلاح دانست یك مالیاتی‌برقرار کند مختار است‌ونیزدرضمن فرمایشات‌خودشان فرمودنداین‌آب را املاك بالای رودخانه میگیرند وبطرف پائین نمیرسدجوابم‌عرض میکنم که اگراین‌آب ملحق‌به‌زاینده رود بشود هم املاك بالای رودخانه وهم‌املاك اصفهان مشروب میشوند و بالاخره تمام املاکی که پائین این آب واقع شده‌اند سیر آب میشوند وبدیهی است فرضاً که بخواهند مثل سابق که اینها را از بالا میگرفتند و پائینی‌ها از این حق محروم میماندند رفتار کنند البته مالکین قسمت سفلای رودخانه وقتی ببینند اینطور است پولی نخواهند داد و یقین است خودشان هم قرار ومداری گذاشته‌اند خاتمهٔ باز تکرار میکنم که آب مال دولت است و اختیار آنهم بادولت ودر اینباب امتیازی هم بکسی داده نشده وضرری هم متوجه دولت نخواهد شد وملاکین هم تا مهندس نفرستند ومخارج آنرا بازدیدنکنند اقدام بعملی نخواهند کرد که بگوئیم شاید ضرر شامل رعایا بشود

رئیس- آقای‌مدرس مخالفید؟

مدرس- خیربنده موافقم

رئیس — آقای حاج شیخ‌اسدالله

چطور ؟

حاج شیخ اسدالله - بنده مخالفم

رئیس - بفرمائید

حاج شیخ اسدالله — بنده از نقطه نظر قانونی یك نظری دارم وتصور میکنم که مجلس نتواند رأی بدهد که جزو دستور گذاشته بشود زیرا بدون اینکه مسئله اعتبار مراجعه بکمیسیون بودجه بشود نمیشود در مجلس مذاکره شود ممکن است جواب بگویند که چون مجلس رأی داده میتوانیم مذاکره کنیم ولی گمان میکنم این رأی برخلاف ترتیب بوده است و چون این یك اعتباری است که از طرف دولت برای مخارج خواسته شده باید برود کمیسیون بودجه و از آنجا باید بمجلس بیاید حالا چون مجلس رأی داده است و میخواهند داخل مذاکره بشوند بنده هم عرض میکنم این راپورت را نیستم که نوشته شده است ناقص میدانم و همانطور که آقای رئیس التجار فرمودند مجلس رأی میدهد که دولت دویست هزار تومان قرض کرده و خرج کند تا آب کارون بزاینده رود ملحق شود در صورتی که برای دولت هیچ نفعی دراینجا ملاحظه نشده مگر اینکه همانطور که بنده پیشنهاد کرده ام و در اینجا هم مذاکره شد پس از الحاق آب بزاینده رود املاك اطراف آن ممیزی بشود و دولت عشریه دریافت دارد اگر این نظریه تصویب شد آنوقت دولت اگر کمکی بکند در مقابل نفعی هم عایدش خواهد شد واما عیب دیگر راجع بخساراتی است که ممکن است بمحل های دیگری وارد آید .

در راپورتی که کمیسیون داده ذکر میکنند مشروط بر اینکه خسارات غیرقابل جبران واقع نشود ولی اگر قابل جبران بود چه حالی دارد ؟ دراین راپورت راجع باین مطلب ذکری نشده .

بعقیده بنده اگر غیرقابل جبران شد که باید اهالی اصفهان را از این خیال منصرف نمود ولی اگر قابل جبران شد یعنی یك خساراتی از مجرای آب بمحلهای دیگر واقع شود که بشود جبران کرد البته باید اهالی اصفهان آنرا جبران کنند و بنده در این باب پیشنهادی کرده تقدیم مجلس میدارم اگرچه گمان میکنم خود اهالی اصفهان هم همین نظر را داشته باشند عرض دیگر آنکه مجلس رأی داده و دولت هم دویست هزار تومان قرض کرده و مشغول عملیات شده بعد در بین عمل بیك موانعی بر خوردند و دیدند نمیتوانند آب را رد کنند و یا مجرای آب گود تر از مجرای رودخانه باشد آیا این قرض را که دولت کرده است خودش باید خسارت بکشد یا رعایا خواهند داد خواهش میکنم اینمطلبرا هم توضیح بفرمایند .

رئیس — آقای حاج امین التجار

(اجازه)

حاج امین التجار — قبلا خدمت آقایان باید عرض کنم که مسئله الحاق آب کارون بزاینده رود مسئله ای نیست که امروز محل توجه اهالی اصفهان و احتیاج آنها واقع شده باشد بلکه مسئله ای است که از قدیم باین خیال بوده اند و اگر به تاریخ رجوع فرمائید می بینید شاه عباس مرحوم از سیصد سال قبل اقدام باین امر نموده و بطوریکه در تواریخ می نویسند چهل روز در آن محل برای بریدن کوه و آوردن آب کارون بزاینده رود اقامت کرده وشاید مبالغ خطیری هم بمصرف رسیده و ازحیث مهندس هم البته آنوقت از آثار و عماراتی که فعلا از سلاطین صفوی باقی است معلوم میشود مهندسین قابلی هم بوده اند و در آنجا نقطه ای را اختیار کرده و مشغول عملیات شده اند و یك قسمتی از کار را هم انجام داده اند منتهی چون در اواخر سلطنت شاه عباس بوده و عمر او کفاف نداده که این کار را تمام بکند باین جهت تا امروز این کار بحال خود باقی است و بنده عرض میکنم که ما باید خیلی متشکر باشیم و اسباب افتخار ما است که در مجلس دوره چهارم یك کاری را که یکی از سلاطین عظیم الشأن ایران اقدام کرده تصویب می شود که برای انجام آن اقدام شود اما شرحی که آقای رئیس التجار درخصوص پول دادن ومخارج کردن فرمودند لازم است عرض کنم چنانکه در کمیسیون هم مذاکره شد این دویست هزار تومانرا که مقرر داشته اند دولت درظرف مدت پانزده سال بپردازد .

البته یك منفعتی برای دولت در نظر گرفته و این پیشنهاد را کرده اند چنانچه آب بیرون نیاید هیچوقت اهالی اصفهان حاضر نیستند یك همچو پولی را دولت بدهد اما اینکه فرمودند اگر مخارج از سیصد هزار تومان زیادتر بشود چه خواهد شد عرض میکنم که در چندی دوسه نفر مهندس روسی که تفصیل آن مفصل است و برآورد کردند و مخارج آن را مطابق صورتی که نوشته اند درحدود ۴۰۰ هزار تومان معین نموده اند و البته میدانید وقتیکه مهندسین خارجه این چیزها را برآورد میکنند نسبت بعملیات وبعضی چیز ها و اجرت و مخارج را زیادتر حساب میکنند ولابد صد هزار تومان بشتر مخارج را معین کرده اند پس دراینصورت گمان میکنم بیشتر ازسیصد هزار تومان خرج ندارد واینکه راجع به اراضی بایرولم یزرع فرمودند جواباً عرض میکنم که بین رودخانه زاینده رود کارون هیچ اراضی بایرلم یزرعی نیست و اراضی اطراف زاینده رود هم بواسطه بی آبی زراعت نمیشود وفقط از آن اراضی واملاك جز یکمقدار نوشتجات که در نزد صاحبانش می باشد ویك قلعه خرابه وچیز دیگر باقی نمانده و تمام رعایای آنجا بواسطه خشك سالی وبی آبی متواری شده اند وعلت دیگر ندارد وبطوریکه بنده تحقیق کرده ام دو ثلث عملجات اداره نفط جنوب از همان رعایای اصفهان هستند که نتوانسته اند در اصفهان زیست کنند وبه آنجا رفته مشغول عمله گی شده اند وراجع بتقسیم آب هم این آب مجزائی غیراز مجرای زاینده رود ندارد وزاینده رود هم تقسیماتی دارد که تقسیمات اساسی است و مرحوم شیخ بهائی معین کرده و گمان میکنم خیلی عملی وصحیح باشد منتهی شرعاً هم همین طور است وقتی که دربالا به آب محتاج باشند بپائین نمیرسد ولی همین قدر خاطر آقایان را متذکر میکنم که از این آب کارون بیاید بقدر کفایت خواهد بود و تقسیم لازم نمیشود اما اینکه فرمودند سبب اینکه آب بپائین نمیرسد این است که درقسمتهای بالای رودخانه شلتوك میکارند .

گمان میکنم بااینکه درزمان شاه عباس در آنجاها شلتوك کاری نمی شد باز هم آب کم بوده ودلیلش هم همین است که مرحوم شاه عباس می خواست کارون را ضمیمه رودخانه زاینده رود کند درخاتمه عرض میکنم راجع بمخارج و تقسیم آب بقدر کفایت صحبت شده وآقایانیکه از املاك اصفهان اطلاع دارند تصدیق میفرمایند مالیات نقدی اصفهان بالغ بر سیصد وشصت هزار تومان است ودر هیچ سال (دراین مدتی که بنده درنظر دارم) بیش از سالی دویست الی دویست وچهل هزار تومان وصول نشده و این عدم وصول را شاید آقایان تصور بفرمایند بواسطه بی مبالاتی مأمورین مالیه بوده ویا رعایا خیر اینطور نیست این بقایای لاوصولی فقط مالیات املاکی است که ازخشك سالی ازبین رفته وفقط در کتابچه دولتی اسمی ازآنها باقی است واصلا وجود خارجی ندارد و بعقیده بنده در سال اولی که این آب باصفهان بیاید شاید تمام مالیات جزو جمع اصفهان وصول خواهد شد واز یك دویست هزار تومان موهوم که رعایا می خواهند سالی چهارده هزار تومان آنرا از بابت مالیات حساب کنند سالی صدوسی هزار تومان فایده دولت کمتر باشد ما نباید این نکته را هم فراموش کنیم که دولت رعایت حال رعایای خودش را که همه متفرق شده ودر معادن نفط جنوب کار میکنند بایدبنماید .

درصورتیکه آن بیچاره ها همه صاحب ملك وصاحب همه چیز بوده اند واگر باز هم یك مختصر چیزی داشتند هرگز به آن نقطه که هوایش باهوای اصفهان خیلی فرق دارد و مخالف حفظ الصحه است و یقیناً درزحمت وناخوشی هستند نمی رفتند ومتواری نمی شدند البته وظیفه دولت است که از اینها نگاهداری بکنند والا اگر چندی باین منوال بگذرد همه صورت هم خواهیم شد .

رئیس - جلسه را که زودتر منعقد کردیم برای این بود که شبها چندان امتداد نداشته باشد اگر آقایان موافق باشند جلسه را ختم نمائیم جلسه آتیه روز پنجشنبه سه ساعت بغروب مانده دستور هم اولا بقیه شور اول همین لایحه که الان مطرح بود ثانیاً بقیه شور درقانون شورای عالی معارف خواهد بود.

(مجلس دو ساعت ونیم از شب گذشته ختم شد)

رئیس مجلس شورای ملی **مؤتمن الملك**

جلسه ۷۴

صورت مشروح مجلس یوم پنجشنبه یازدهم حوت هزارو سیصد مطابق دوم رجب هزار وسیصدچهل مجلس دوساعت ونیم قبل از غروب در تحت ریاست آقای مؤتمن الملك تشکیل گردید .

(صورت مجلس یوم سه شنبه ۹ حوت را آقای تدین قرائت نمودند)

رئیس - نسبت بصورت مجلس اعتراض هست یانیست ؟

(ایرادی نشد)

رئیس - صورت مجلس تصویب شد . دستور امروز چنانچه گفته شد بقیه شور دوم در قانون شورای عالی معارف وشور اول در قانون الحاق رود کارون بزاینده روداست ولی چند فقره راپورت از کمیسیون بودجه رسیده که مدتی است معطل وبلاتکلیف است اگر مخالفی نباشد بدواً قرائت شود ودر آن ها رأی گرفته شود بعد داخل دستور شویم یك فقره تقاضای وجه است از بابت سهم شرکت دولت ایران در جامعه ملل نسبت بسال ۱۹۲۱ و دیگری تقاضای ششهزار وسیصد و شصت تومان کسری بابت قیمت مخابرات تلگرافی وزارت مالیه در این باب مخالفی نیست ؟

(اظهار مخالفتی نشد)

وآقای سهام السلطان راپورت کمیسیون بودجه راجع بمخارج جامعه ملل را بمضمون ذیل قرائت نمودند کمیسیون بودجه در جلسه دوم حوت (۱۳۰۰) خود لایحه مورخه (۲۰) برج دلو دولت را راجع بسهم مخارج سالیانه جامعه ملل راتحت مطالعه در آورده ومبلغ یکصدو بیست وپنجهزار فرانك طلای سویس بابت سهم سنه (۱۹۲۱) را تصویب مینماید

ماده واحده - وزارت مالیه مجاز است